فصلنامه

نوای شرق

سال نخست

شمارهٔ چهارم

پاییز ۱۴۰۱



ارکان پایگاه تحلیلی سهیل رسانه

سردبیر: حیدر سهیلی اصفهانی



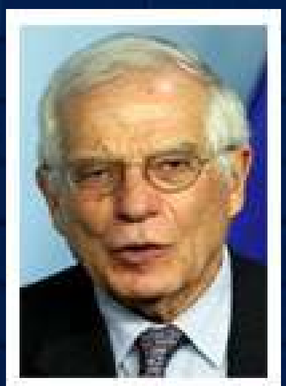












سخن سردبیر

گشت ارشاد بر زمین افتاد!

زمانی ارشاد، واقعا ارشاد بود، فقط با ساده‌لوحی تمام، به کارش ادامه می‌داد. روش کارش «یا روسری یا توسری» بود، اما توسری را اغلب زنان روسری بر سر می‌خوردند. هدف نهایی، تبدیل همهٔ زنان جامعه به زنانی با چادر سیاه بود.

با این حال، گشت ارشاد، نه تنها هیچ گاه موفق نبود، بلکه در طول چهار دههٔ گذشته، همواره عقب نشینی می‌کرد؛ مد قبلی پوشش را به رسمیت می‌شناخت و با مد جدید درگیر می‌شد و این روند ادامه داشت و دارد. اگر موفقیتی بود، مال همان دوران انقلاب و جنگ بود که زنان جامعه واقعا خودشان چادری بودند، اما گشت ارشاد، سراغ زنانی می‌رفت که مانتو و روسری بسیار سر و سنگینی داشتند.

این روزها، اگر کسی به به عکس‌های به جامانده از زنان اِپُل بر شانهٔ دههٔ ۱۳۷۰ نگاه کند که گیسوانشان را به طبقهٔ دوم سرشان تبدیل کرده بودند و با آن چهره‌های پر موی و تقریبا بی‌بزکشان، دلِ مردان شلوار خمره‌ای آن دوران را می‌بردند، سخت می‌تواند جلوی خندهٔ خود را بگیرد. خنده‌دارتر آن که شکار گشت ارشاد در آن روزگار، همین زنان بی‌نوا بودند. ارشادی در کار نبود. «توسری» محض بود، هست و اگر این گشت بماند، خواهد ماند.

در طول دوران بلند فعالیت گشت ارشاد، تنها زنانی حریف این گشت می‌شدند که به اصطلاح عوام «پاچه‌پاره» تشریف داشتند. حتی فواحش حرفه‌ای هم آموخته بودند که چگونه با ماموران دست و پنجه نرم کنند، اما همیشه شکار این ارشادگران آماتور، زنان محجوبی بودند که لباسی مطابق مد روز بر تن داشتند. یا از لحاظ فرهنگی، اصولا بی‌حجاب بودند و حالا به خیالشان، خود را پوشانده بودند تا مشکلی پیدا نکنند، یا سر بی‌باکی داشتند و نمی‌خواستند تن به حجاب و پوششی بدهند که دوست نداشتند.



در گشت ارشاد، اگر زمانی عقیده‌ای بود، به تدریج رنگ باخت، تا این که کاملا بی‌رنگ شد و حالا از آن همه «امر به معروف و نهی از منکر پر ستیز» صرفا شغلی مانده است که شاغلین به آن، از این راه امرار معاش می‌کنند.

در این باره که این روش ابلهانه‌ترین روش ارشاد است، تقریبا شکی نیست. در این باره هم که طراحان این روش، خودشان به روشان اعتقادی ندارند و صرفا بهر انجام وظیفهٔ اداری آن را ادامه می‌دهند، باز تردیدی نیست، اما آن چه برای طراحان جای تردید دارد، آن است که اصولا ارشاد، کار آن‌ها نیست و آن‌ها اصولا حق ندارند خودشان را در جایگاه ارشاد دیگران قرار دهند. به قول خیام؛

گر می نخوری طعنه مزن مستان را
بی‌داد نکن تو کینهٔ دستان را
تو غره بدانی که می می‌نخوری
صد کرده کنی که می غلام است آن را

عیاشی‌ها ابناء مسئولین که هر بار کوس رسوایی‌اش، دامن یکی از خانواده‌های منتسب را می‌گیرد و پرونده‌های اختلاس و فساد مالی که هر بار ارقامش درشت‌تر و حیرت‌انگیزتر می‌شود، گاهی دل اشقیای تاریخ را هم به درد می‌آورد، چه برسد به آن که این جماعت رو سیاه را در جایگاهِ ارشاد خلق قرار دهد؛ آن هم خلقی مثل دخترک جوانی که در عنفوان جوانی می‌خواهد جوانی کند، یا احساس می‌کند که این جور لباس پوشیدن مد روز است...همین!

وگرنه فواحش محتشمند و روسپیان بازار گرمی دارند، به طوری که حتی برای فعالیتشان دعای ورودی ساخته‌اند، با نام بی‌مسمایِ خطبهٔ صیغه، بی‌اعتنا به این اصل مذهبی که این خطبه را برای ازدواج موقت می‌خوانند، نه به سان مجوزی برای فعالیت مذهبیِ روسپیان حرفه‌ای..!

اتفاقی که برای مهسا امینی افتاد، اتفاقی عادی در حرفهٔ گشت ارشادی است. زنان و دختران خانه، جگر رویارویی با نیروی امنیتی جدی و زبان نفهم را ندارند. این طفلکی‌ها که چهره‌شان، گاهی از تشر پدر رنگ می‌بازد، کجا می‌توانند برخورد خشن یک مامور انتظامی را تحمل کنند.

یکی از دوستان همسرم، در حال سوار شدن به خودروی شخصی‌اش، در معرض اعتراض یکی از رانندگانِ متدین قرار گرفت. به همسرم گفت: «مثل بید می‌لرزیدم! از ترسم قفل فرمون رو برداشتم تا اگه از ماشینش پایین اومد از خودم دفاع کنم.» راننده هم با دیدن وحشت هیستریک آن دختر بی‌اعتنا رفت.

به همین سادگی! اما او تا مدت‌ها از این ماجرا به سان وحشتی فراموش ناشدنی یاد می‌کرد و با افتخار، برداشتن قفل فرمانی را به رخ می‌کشید که می‌توانست باعث ضرب و شتم خودش شود.

نه آن راننده که با زن و فرزندانش در حال عبور از خیابان بود، گشت ارشاد بود و نه می‌توانست وحشتی در حد رویارویی با گشت ارشاد و مامور پلیس را برانگیزد، حالا شما تصور کنید که در طول سالیان دراز فعالیت گشت ارشاد، چقدر از زنان و دختران، با مشکلات روحی و روانی و حتی جسمی ناشی از این تجربهٔ هولناک رو به رو شده‌اند و حتی احتمال مرگ و میرشان در روزهای بعد، به هیچ وجه بعید نیست.

گو آن که ما آماری نداریم.

من نمی‌خواهم تبلیغات دیگران را دربارهٔ ضرب و شتم مرحوم مهسا امینی باور کنم که اغلب هم ساختگی است. حداکثر هل دادنی بوده و فریاد و تشری در برابر خواهش‌ها و التماس‌های آن دختر بی‌نوا، اما فیلمی که خود گشت ارشاد پخش کرد، ادعای نویسنده را دربارهٔ حجم وحشت و هراسی که در دل دختران و زنان ایجاد می‌شود، ثابت می‌کند که این خود قطعا شکنجه‌ای طاقت‌فرساست. به ویژه اگر ویدئو را ببینید، متوجه می‌شوید که این دختر، لباس بدی بر تن نداشت و اصلا به قصد دلبری به خیابان نرفته بود؛ آن هم در شهری که فواحش در آن، آزادانه جولان می‌دهند و در این اپیدمی بی‌کاری، کسب و کار پر رونقی دارند.

تشت گشت ارشاد، مدت‌هاست که بر زمین افتاده و حتی هواداران ارشاد دیگران هم از این شیوهٔ ابلهانهٔ ترساندن و نقش «لولوخرخوره» را بازی کردن، به فغان آمده‌اند، اما مرگ فجیع این دختر بی‌نوا، فریاد رسای زنان و دخترانی بود که در طول این سالیان طولانی در نطفه خفه شده بود. صدایی که بلافاصله با صدای در حلقوم ماندهٔ مردمی همراه شد که از بی‌کیاستی‌ها و ستم‌های گوناگون، در حوزه‌های دیگر به جان آمده‌اند.

گشت ارشاد، امروزه به نمادی برای همهٔ سوءتدبیرها و بی‌کیاستی‌ها و بلاهت‌های ریز و درشتی تبدیل شده که در نظام ما فراگیر است و هیچ اراده‌ای واقعی برای مبارزه با آن، یا دست کم، کاستن از آن، حتی در چشم‌انداز دور دیده نمی‌شود.

مهسا امینی از ستم گشت ارشاد سکته کرد. فلان مرد کاسب از هزینه‌های سنگین و درآمد ناچیز سکته می‌کند. دانش‌آموختگان دانشگاه از بی‌کاری و فقر سیاه سکته می‌کنند و دیگر و دیگر... و این زنجیر به هم پیوستهٔ ستم، ملتی را به سکته می‌کشاند که برای مقابله و دفاع از خود در برابر مرگی تدریجی، جز فریاد چیزی در چنته ندارند و همین فریاد هم، به جای بیدار کردن مسئولان، صرفا انگ همکاری با دشمن را بر پیشانی مردمی می‌چسباند که اگر افتخار مبارزه‌ای با دشمنان این کشور هست، مختص آنان است، نه مسئولانِ غنوده در حاشیهٔ امن بهشت‌هایی که برای خود ساخته‌اند.



گفتگوی اختصاصی امیر قطر با نشریه فرانسوی لوپوئن:

باید بنشینیم و بدون مداخله خارجی، رو در رو با ایرانی‌ها گفتگو کنیم



- قطر کشور کوچکی است که در کانونِ بسیاری از مسائل مهم، مثل انرژی، دیپلماسی، سرمایه گذاری و حالا حتی فوتبال قرار دارد. قدرت و نقشِ کشورتان را در در عرصهٔ بین‌المللی چگونه ارزیابی می کنید؟

ما البته از نظر جغرافیایی کشور کوچکی هستیم، اما کشورها، هر قدر بزرگ یا کوچک، در رویدادهای جهانی نقش خود را دارند. هدف سیاست خارجی قطر، گردآوری دیدگاه‌های مختلف، کمک به همه طرف‌هایی که به آن نیاز دارند و ایفای نقش تسهیل‌کننده در منطقه و فراتر از آن است. جهان برای حل مشکلات خود به گفتگو نیاز دارد. بهترین نمونهٔ اخیر، کاری است که ما در افغانستان انجام دادیم. وقتی دوستان آمریکایی، از ما خواستند که به آنها کمک کنیم تا با افغان ها ارتباط برقرار کنند و راه حل مسالمت آمیزی برای جنگ در آن سامان پیدا کنند. ما هم کمک کردیم. کشور ما در زمینه انرژی نیز نقش مهمی ایفا می کند. زیرا کشوری معتبر در این بخش هستیم. ما به این واقعیت افتخار می‌کنیم که همواره به توافقات صورت گرفته در دهه‌های گذشته، از جمله در زمینهٔ گاز احترام گذاشته ایم. می‌دانید که ما گاز خود را به بسیاری از کشورهای جهان، از آرژانتین تا ژاپن، عرضه می‌کنیم.

- امروزه، قطر کشور مرفهی است. اما در طول تاریخش، فراز و نشیب‌هایی داشته است. چه درس‌هایی گرفته‌اید؟

چنین تجربیاتی به ویژه برای کشوری با منابع طبیعی ضروری است. ما از تاریخمان درس‌ها گرفته‌ایم. کشور ما تا دهه ۱۹۳۰ مرکز صید تجارت مروارید بود. بعدها، ژاپن پرورش مروارید را توسعه داد و کشور ما فقیر شد. بسیاری از قطری ها مجبور شدند برای کار به کشورهای همسایه بروند و بسیاری از کسانی که مانده بودند، گرسنه ماندند. در اوایل دهه ۱۹۴۰ منابع نفت کشف شد و پس از جنگ جهانی دوم بهره برداری و صادراتش شروع شد. باز هم، این منابع بی‌نهایت نبود. وقتی منابع گاز در دهه ۱۹۷۰ کشف شد، ارزشش در بازار جهانی پایین بود، زیرا در آن زمان، همه نفت می‌خواستند. باید تن به مخاطره می‌دادیم. بنابراین، در تاسیسات مایع‌سازی گاز سرمایه‌گذاری هنگفتی کردیم و زیر بار قرض رفتیم. درسی که از همه این تحولات گرفتیم، آن بود که منابع ابدی نیستند. سرمایه گذاری، به ویژه از طریق صندوق سرمایه گذاری دولتی ما، می تواند کمک کند، اما باز هم کافی نیست. مهمتر از همه، ما باید روی استعدادهای خودمان سرمایه گذاری کنیم، یعنی سرمایه انسانی. چه ثروتمند باشید چه فقیر، آموزش کلید اصلی است. ما در حال توسعه مدارس و دانشگاه‌هایمان هستیم. ما از دانشگاه‌ها و کالج‌های آمریکا و اروپا دعوت کرده‌ایم که به این جا بیایند و با شناسایی ۹ رکن فراگیر فناوری، سلامت، علم، گردشگری و غیره، شروع به تنوع بخشی به اقتصادمان کرده‌ایم. به اقتصاد نیرومندمان اطمینان داریم و امیدواریم در آینده برای همه احتمالات آماده باشیم.

- صحبت از فراز و نشیب های تاریخ شد... قطر در تاریخ خود شاهد ظهور و سقوط امپراطوری های زیادی بوده است، رومی، ساسانی، اموی، عباسی، عثمانی، پرتغالی، بریتانیایی... از دیدگاه شما، کدام امپراتوری‌ها را در حال ظهور می بینید و کدام در حال سقوط؟

این روزها، همه درباره آمریکا و چین صحبت می کنند، اما فکر نمی کنم بتوان آن‌ها را با امپراتوری های گذشته مقایسه کرد. دوران ما متفاوت است، اکنون قدرت از جنبه‌های مختلفی مثل آموزش، اقتصاد و همچنین فرهنگ بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. ایالات متحده نه تنها از نظر نظامی، بلکه از نظر اقتصادی، نوآوری، علمی نیز یک ابرقدرت است... چین با اقتصاد قوی و جمعیت زیادش، قدرت رو به رشدی برای آینده محسوب می‌شود.

- یعنی از جنگ سرد میان چین و آمریکا نگران نیستید؟

ما نمی خواهیم جهان را بین دو ابرقدرت قطبی ببینیم. چنین تصوری خیلی خطرناک است، اما راستش را بخواهید، فکر نمی‌کنم در حال حاضر این طور باشد و امیدوارم این اتفاق نیفتد. کشور ما متحد اصلی آمریکا و به طور کلی غرب است، اما واردکننده اصلی گاز طبیعی مایع (*LNG*) ما چین است. ما فقط می توانیم توجه داشته باشیم که اختلافات زیادی بین آن ها وجود دارد، اما امیدواریم که تنش ها از طریق دیپلماتیک و صلح آمیز حل شود. جهان ما در حال حاضر با تقسیم بندی های زیادی دارد و ما نمی‌خواهیم شاهد اضافه شدن تقسیمات جدید باشیم.

- آیا اتحادیه اروپا را به عنوان یک بازیگر مؤثر در جهان معاصر می بینید؟

چرا که نه؟ اتحادیه اروپا بسیار مهم است. کشور ما با اکثر کشورهای اروپایی روابطی عالی دارد، آن‌ها متحدمان هستند. همکاری ما با اروپایی‌ها در حوزه‌های تجاری، فرهنگی و نظامی گسترده است. برای ما اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، بهر حفظ امنیت جهانی بسیار مهم است.

- عربستان سعودی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ قطر را محاصره کرد. از سال ۱۹۹۵ تاکنون، دو اقدام برای کودتا انجام شده است، ابتدا ضد پدر شما، سپس ضد خود شما. چگونه از این بحران ها بیرون آمدید؟

ببین! هیچ میل ندارم دربارهٔ گذشته صحبت کنم. بگذار به آینده نگاه کنیم. ما وارد مرحله جدیدی شده ایم. همه چیز در مسیر درست حرکت می کند. البته پیش می‌آید که گاهی با هم اختلافاتی داشته باشیم. ما در حال آماده کردن زمینه برای آیندهٔ شورای همکاری خلیج [فارس] هستیم استعداد جوانانمان را در سراسر منطقه شکوفا کنیم. اتحاد و همکاری برای سراسر جهان حیاتی است. شورای همکاری خلیج [فارس] پس از تنش و آشفتگی بزرگی در حال بهبودی است، اما مسیری که در پیش گرفته‌ایم، مسیر درستی است.

- اما چیزی‌هایی هست که برای همسایه های شما آزاردهنده است. آیا این روالی است که کشور شما در پیش گرفته است؟ سلطنت موروثی؟ رابطه با ایران؟ در سال ۲۰۱۷، سعودی ها شما را به تامین مالی تروریسم و اخوان المسلمین متهم کردند...

راستش را بخواهید، همان طور که به شما گفتم، فکر نمی کنم صحبت از گذشته مفید باشد. شما به ایران اشاره کردید. ایران برای ما بسیار مهم است. ما رابطه‌ای تاریخی داریم و علاوه بر این، میدان گازی اصلی خود را با ایران مشترکیم. ما همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] و ایران را تشویق می‌کنیم که با یکدیگر گفتگو کنند. البته اختلافاتی وجود دارد، برای هر کسی ممکن است پیش بیاید، اما باید بنشینیم و بدون مداخلهٔ خارجی، رو در رو با ایرانی‌ها گفتگو کنیم.

- یکی از انتقادات مکرر به کشور شما این است که با اخوان المسلمین ارتباط دارد. واقعیت دارد؟

چنین پیوندهایی وجود ندارد. هیچ عضو فعالی از اخوان المسلمین یا سازمان های مرتبط در این جا، یعنی در قطر مستقر نیست. ما کشور بازی هستیم. افراد زیادی با عقاید و عقاید مختلف می آیند و می روند، اما ما دولتیم، نه حزب. ما با حکومت‌ها و دولت‌های مشروعشان سر و کار داریم، نه با سازمان‌های سیاسی.

- چرا کشور شما بین کشورهای غربی و هم‌آوردانشان، مانند ایران یا طالبان در افغانستان دارد، نقش واسطه را ایفا می‌کند؟

این بخشی از سیاست ما است؛ گرد هم آوردن بازیگرانی که با یکدیگر اختلاف دارند. دربارهٔ طالبان، ما به درخواست دوستان آمریکاییمان [دولت اوباما] این کار را انجام دادیم. این مذاکرات سال‌ها به طول انجامید و با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. اتفاقی که سال گذشته افتاد، همه را غافلگیر کرد، اما به طور کلی، ما با ایالات متحده و همچنین با اروپایی‌ها از جمله فرانسوی‌ها از نزدیک کار کرده‌ایم. اما دربارهٔ ایران، تاکنون، کسی به طور رسمی به ما مراجعه نکرده است. با این حال، ما با متحدان آمریکاییمان صحبت می‌کنیم و با ایرانی‌ها هم در حال گفتگوییم، زیرا ایران همسایه ما است. وظیفه و منافع ما ایجاب می‌کند که هر کاری انجام دهیم تا دو طرف را گرد هم بیاوریم و آن‌ها را در مذاکره برای راه حلی مسالمت آمیز تشویق کنیم و تا زمانی که دو طرف به اصل همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد داشته باشند، در انتخاب هیچ کدام، دست خود را نمی‌بندیم، با این حال، ما حاضر نیستیم با کسانی که مخالف این اصلند، صحبت کنیم. به همین جهت است که ما زیر بار گفتگو با گروه های تروریستی و خشونت طلب نمی‌رویم.

- اوضاع بازار انرژی را در شرایط فعلی چگونه می بینید؟ فکر می‌کنید منابع گازی قطر تا چه اندازه می‌تواند جایگزینی برای گاز روسیه به اروپا به شمار آید؟

از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ما مخاطرهٔ سرمایه گذاری را در گاز پذیرفته ایم. ما می‌دانستیم که این انرژی در آینده بسیار مهم خواهد شد و چند سال پیش، ما دوباره این کار را با افزایش تولید *LNG* خود انجام دادیم، اگرچه روند جهانی در آن زمان، خلاص شدن از شر این انرژی‌ها و تمرکز بر انرژی‌هایی بود که در آن زمان «پاک» تلقی می‌شدند، مانند خورشید و باد. با این حال، می‌توانم به شما بگویم که *LNG* نیز انرژی پاک است. گاز برای دوره انتقال آتی بسیار مهم است. جنگ در اروپا شرایط را به شدت پیچیده کرده است، اما این مشکل قبلا هم وجود داشت. ما به

نوبهٔ خود، صادرات انرژی خود را در حجمِ زیادی به آسیا و همچنین اروپا، با بستن قراردادهای بلندمدت و همچنین در بازار نقدی عرضه می‌کنیم. ما می خواهیم به اروپا کمک کنیم و در سال‌های آینده، گاز اروپا را تامین خواهیم کرد. اما این که ما می‌توانیم گاز روسیه را جایگزین کنیم، درست نیست. گاز روسیه برای بازار جهانی ضروری است.

- بنابراین، شما معتقدید که گاز، به ویژه LNG، در ترکیب انرژی جهانی، همچنان نقش کلیدی ایفا خواهد کرد...

البته! برای دوره گذار و در بلندمدت، در ترکیب انرژی اهمیت بسیاری خواهد داشت و تمیز است. برای نمونه، ما روی فناوری‌هایی سرمایه گذاری کرده‌ایم که امکان کاهش شعله‌ور شدن و جذب کربن را فراهم می‌کند و فراموش نکنیم، ما دربارهٔ مشکلات خودمان صحبت می‌کنیم، اما یک میلیارد نفر روی کره زمین هستند که هنوز به برق دسترسی ندارند.

- آیا اروپایی ها حق داشتند انرژی روسیه را تحریم کنند؟

ما باید مراقب انواع تحریم‌هایی باشیم که کار را برای کل جهان پیچیده می‌کند. در این مورد به خصوص نمی‌توانم قضاوت کنم که آیا اروپا درست بود یا غلط، اما ما فقط می‌توانیم مشکلاتی را که کمبود انرژی در اروپا ایجاد می کند، مشاهده کنیم. مهم‌ترین نکته این است که همه ما از این وضعیت رنج می‌بریم، چه از نظر انرژی و چه از نظر غذایی. به همین سبب است که جنگ در اوکراین باید پایان یابد. باید راه حلی پیدا کنیم.

- امانوئل ماکرون در غرب به سببِ تمایلش برای گفتگو با هر دو طرف، از جمله با ولادیمیر پوتین در معرضِ انتقاد قرار گرفت. حق با او بود؟

ما اغلب با رئیس جمهور مکرون صحبت می‌کنیم و می‌دانم که قصد دارد به این جنگ پایان دهد. کسی باید باشد که با هر دو طرف صحبت کند و نظراتشان را به هم نزدیک کند. ما باید این گونه گفتگوها را تشویق کنیم. رئیس جمهور مکرون حق دارد که این کار را انجام دهد. ترکیه نیز در تلاش است تا دو کشور را به هم نزدیک کند.

- آیا نگران این نیستید که افزایش پوپولیسم و بحران اقتصادی، منجر به تکه تکه شدن فرایند جهانی شدن شود؟

همه گیری کووید به شیوه‌ای آرمانی مدیریت نشد. کشورهای ثروتمند قادر به مقابله بودند، اما ما نمی‌توانستیم اطمینان حاصل کنیم که فقرا نیز این توانایی را دارند. درسی که گرفتیم، این است که برای حل مشکلات جهانی نیاز به همکاری داریم. زیرا حتی اگر قطر یا فرانسه داروها و سیستم بهداشتی مناسب برای درمان جمعیت خودشان را داشته باشند، تا زمانی که همه کشورها نتوانند با آن مقابله کنند، نمی‌توان بر چنین بیماری همه‌گیری غلبه کرد. ما نمی‌خواهیم دوباره شاهد بسته شدن رستوران‌ها، فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار باشیم. در بارهٔ انرژی هم همین‌طور است. خوب نیست که قیمت‌ها خیلی بالا باشد، زیرا برای مصرف‌کننده منصفانه نیست، اما وقتی قیمت‌ها خیلی پایین باشد هم، ما راضی نیستیم، چون برای تولیدکننده هم منصفانه نیست. اگر قرار است همه سود ببرند، باید همکاری جهانی وجود داشته باشد. من نمی‌خواهم فرایند جهانی شدن متوقف شود و فکر نمی‌کنم، متوقف شود. عده‌ای از مردم می گویند که برگرداندن ساعت به عقب، زندگی را آسان‌تر می‌کند. این درست نیست. حرف زدن و مسئولیت‌پذیری یکسان نیست... کارآمد نیست. سراسر دنیا یکدست شده است. از آن جایی که همه ما به هم مرتبط هستیم، باید با هم کار کنیم و مشکلات خود را با هم حل کنیم.

- در میان تقسیماتی که شما به آن اشاره می‌کنید، آن دسته از تقسیمات داخل جهان اسلام نیز وجود دارد. آینده اسلام را به سان دین چگونه می‌بینید؟

سوال بسیار گسترده‌ای است. گونه‌های انسانی متنوعند، فرهنگ‌ها، عقاید و همچنین گروه‌های قومی متفاوتی داریم. ما ایمان را جدی می گیریم، از جمله در تحصیلاتمان، اما در عین حال، آغوشمان برای همراهی فرهنگ‌های دیگر، ادیان دیگر و مردم دیگر هم باز است. این اسلام است. این دین صلح است و ما در کسوت مسلمان، تفاوت ها را می‌پذیریم. ما نیاز داریم که در منشی مسالمت آمیز با هم زندگی کنیم. تنش‌هایی بین ادیان وجود داشته است، اما صحبت در بارهٔ این تنش‌ها و یا تلاش برای ریختن نفت روی آتش کمکی به ما نمی‌کند. شما به این جنبش‌های پوپولیستی یا چهره‌های رسانه‌ای اشاره

کردید که از اسلام صحبت می‌کنند و چیزهایی را طوری مطرح می‌کنند که انگار «ما» و «آن‌ها» هستند که از اسلام‌هراسی سوءاستفاده می‌کنند. این عادلانه نیست و در واقعیت هم این طور نیست. ما به هم پیوسته‌ایم، با هم تجارت می‌کنیم، مبادله می‌کنیم و می‌دانید، اگر به اروپا بروید، فکر نمی‌کنم که مردم واقعاً نگران اسلام باشند. به همین سان، در جهان اسلام، کسی نگران مسیحیت نیست. در واقع، بسیاری از مسیحیان و یهودیان و سایرین در جهان اسلام زندگی می‌کنند که خود را نیز بخشی از فرهنگ مسلمانان می‌دانند و همچنین مسلمانان زیادی در غرب زندگی می‌کنند. امروزه در جهان، اتفاقات خوبی در حال روی دادن است، در حوزهٔ فناوری، تجارت، علم، تجارت و همین طور فرهنگ. مشکلات استثنا هستند.

- بنابراین، شما با وجود شرایط کنونی و از جمله سوء قصد ضد سلمان رشدی نویسنده در تابستان امسال، به روابط غرب و جهان اسلام خوشبین هستید؟

آن چه من می‌گویم این است که عده‌ای از تنش‌های گذشته و اختلافات موجود، برای منافع سیاسی خود، چه در داخل و چه برای منحرف کردن مشکلات داخلی‌شان به کشورهای دیگر، سوء استفاده می‌کنند. سیاستمداران حق دارند، حرف بزنند، اما باز هم اگر با افراد عادی مشورت کنید، می‌بینید که دغدغه‌ای دربارهٔ جهان اسلام و مسیحیت ندارند. ما باید از این نوع تنش‌ها اجتناب کنیم، زیرا کمکی نمی‌کند. صرفا گفتگوی بین ما دربارهٔ این مشکلات است که کمک‌رسان ماست.

- آیا به همین دلیل مجوز افتتاح کلیسا را در دوحه صادر کردید؟

ما آن را خیلی وقت پیش ساختیم. مسیحیان چندین دهه است که در اینجا زندگی می‌کنند. آن‌ها حق دارند به دین خود عمل کنند. ما در این جا از آن‌ها استقبال کردیم و آن‌ها به ما در ساختن این کشور کمک کردند. پیش از این، مناسک دینی‌شان را به طور خصوصی ادا می‌کردند. پدرم در تصمیماتش متقاعد شد که آن‌ها به مکان فراخی نیاز دارند. این بنا، مجموعه‌ای از ساختمان‌هاست که شامل چندین کلیسا، اعم از غربی، آسیایی، آفریقایی است و مسیحیان می‌توانند روزانه در آن جا عبادت کنند.



- آیا در کشورهای غربی، فرانسه یا جاهای دیگر با اقلیت‌های مسلمان رفتار درستی می‌شود؟

موضع ما روشن است؛ ما تبعیض ضد هر اقلیت، چه مسلمان و چه غیر مسلمان را در هر کشوری رد می‌کنیم. ما در یک جهان زندگی می‌کنیم. این وضعیت نباید مشکلی ایجاد کند، اما عده‌ای از سیاستمداران و چهره‌های رسانه‌ای سعی می‌کنند به این موضوع دامن بزنند. اما همان طور که همیشه می‌گویم؛ نظر مردم عادی را بخواهید.

- تصور شخصی شما از اسلام چیست؟ آیا در مورد دین خود را «لیبرال» می‌دانید؟

- می‌دانید، خنده‌دار است، گاهی مردم از اسلام «مدرن»، «محافظه کار» یا «لیبرال» صحبت می‌کنند. اسلام دین است. ما آن را درک می‌کنیم، اما در قامت انسان، می‌توانم به شما بگویم که من مسلمانی مومن، مدرن و خوش برخورد هستم که کشور ما و مردم ما نیز مدرن و مهمان‌نواز هستند و ما در عین حال، به میراث و دین خود بسیار افتخار می کنیم. هرچند آغوشمان بر دیگران باز است، با این حال، زندگی شخصی خودمان را هم داریم.

- دیدگاه شما دربارهٔ نقش و جایگاه زنان در جامعه چیست ؟

اولاً، همهٔ ما، چه مرد چه زن، در برابر خداوند برابریم. نقش زنان در جامعه ما حیاتی است. در قطر، وضع زنان در زمینهٔ آموزش‌های دانشگاهی بهتر از مردان است. ۶۳ درصد دانش آموزان را دختران تشکیل می‌دهند. در زمینهٔ نیروی کار، حدودا پنجاه پنجاه است. در داخل دولت، ما سه وزیر زن داریم که کارهای بزرگی به آن‌ها محول شده است. حتی در نیروی هوایی هم خلبان زن داریم. زنان هیچ تفاوتی با مردان ندارند. البته می‌دانیم که در دنیا در معرض تبعیض قرار دارند، اما کاملاً با آن مخالفیم.

- آیا فکر می‌کنید آزادی بیان ارزشی اساسی است که باید از آن محافظت شود، یا گاهی محدود شود؟

من شخصا به آزادی بیان اعتقاد دارم. باید محافظت شود، اما اگر ابراز نظری عمداً منجر به بروز مشکلات یا تعارض در حوزه‌های فرهنگی یا مذهبی شود، آیا واقعاً ابراز چنین نظری ضروری است؟ صحبت من این نیست که کسی از وزیر یا مقام ارشدی انتقاد کند، من شخصا مشکلی با آن ندارم، اما اگر در حوزه‌های حساسی که می‌شناسیم، مشکلاتی ایجاد کند، باید بسیار مراقب باشیم. هر کس حق دارد نظرش را ابراز کند، اما هر چه می‌گوییم، باید از آسیب رساندن به افراد در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، مذاهب یا پیشینه‌های مختلف اجتناب کنیم. به طور کلی، هر موضوعی باید محدودیت خود را داشته باشد. کسی که این را می‌شنود، ممکن است آن را مخالفت با آزادی بیان بداند، اما صحبت از محدودیت‌ها یکسان نیست، گو آن که شبکه‌های اجتماعی شرایط را بسیار پیچیده کرده‌اند.

- روابط فرانسه و قطر را چگونه ارزیابی می کنید؟

خوب، قوی، تاریخی و بسیار مستحکم است. درک متقابلمان عالی است و به آن افتخار می‌کنیم. ما در تجارت، فرهنگ، ورزش، امنیت، امور نظامی، سیاست خارجی همکاری نزدیکی داریم. زمانی که ولیعهد شدم و باز هم وقتی امیر شدم، اولین کشوری که خارج از خاورمیانه از آن بازدید کردم، فرانسه بود. ما به خوبی یکدیگر را درک می کنیم و به این موضوع بسیار افتخار می‌کنیم.

- رابطهٔ شما با امانوئل مکرون چیست؟

ما اغلب با هم صحبت می‌کنیم. چند بار همدیگر را دیدیم و تلفنی صحبت کردیم. نظرات زیادی در مورد سیاست خارجی داریم و سعی می‌کنیم برای ترویج صلح، ایفای نقش تثبیت کننده و ارائه کمک‌های بشردوستانه در جایی که نیاز است، همکاری نزدیک داشته باشیم.

- آیا احساس می‌کنید که فرانسه با شما منصفانه رفتار می کند؟

بله، البته ما گاهی اوقات اختلافاتی داریم، اما در مجموع، متذکر می‌شوم که ریاست جمهوری‌های متوالی فرانسه همیشه مصمم به حفظ روابط خوب با قطر هستند.

- شرکت توتال، شریک مهم قطر است، نقش این شرکت در روابط دوجانبه چیست؟

روابط ما با فرانسه گسترده‌تر از صنعت خاصی مانند انرژی است. با وجود این، توتال، شرکتی بسیار مهم است. زمانی که ما در مایع سرمایه گذاری کردیم، تن به مخاطره برای همکاری با شرکت‌های اگزان موبیل و توتال دادیم. این شرکت‌ها آمدند و به ما



کمک کردند صنعتمان را توسعه دهیم و در دهه‌های آینده هم، از جمله برای پروژه های خارج از قطر، شرکای ما خواهند بود.

- منظورتان آن است که به سبب مخاطرهٔ سی سال پیش، با آن‌ها ادامه می دهید؟

ما با شرکت‌ها تعامل داریم و به صورت شفاف قرارداد امضا می کنیم، با این حال، روابط گذشته، مخاطراتی که برای ما متحمل شدند، حمایتی که از ما ارائه کرده‌اند را نیز در نظر می گیریم. ما هرگز مردم، شرکت‌ها و کشورهایی را که در شرایط سخت در کنار ما ایستادند و با ما مخاطره کردند، فراموش نمی کنیم. برخی از کشورهای بزرگتر فراموش می کنند، اما ما این طور نیستیم.

- آیا پاری سن ژرمن سرمایه گذاری خوبی بود؟

البته! ورزش با معاملات دیگر فرق دارد. اگر می‌خواهید روی هر ورزشی سرمایه گذاری کنید، باید به آن علاقه داشته باشید. در غیر این صورت، پولتان را هدر می‌دهید. البته اگر آن را به درستی مدیریت کنید، ارزش پروژه افزایش می‌یابد. این همان اتفاقی است که در پاریسن‌ژرمن روی داد. قطری‌ها به دهه‌ای که با پاری سن ژرمن سپری کردند، افتخار می کنند. ورزش عنصر کلیدی دی‌ان‌ای ماست.

- آیا این که امانوئل ماکرون از تیم المپیک مارسی حمایت می‌کند و نه از پاریسن‌ژرمن دردسرساز نیست؟

(می خندد) اما همیشه سر این موضوع، با هم شوخی می‌کنیم، اما واقعاً دردسری درست نمی کند. او ورزش را دوست دارد و من مشتاقانه منتظر صحبت با او در بارهٔ آن هستم. من به همراه رئیس جمهور و همسرش در فینال جام جهانی ۲۰۱۸ بین فرانسه و کرواسی حضور داشتم و توانستم شاهد شادی‌بخش آن‌ها، هنگام پیروزی فرانسه باشم.

- جنگندهٔ رافال چطور؟ سرمایه گذاری خوبی است؟

رافال هواپیمای استثنایی است و ما خوشحالیم که خلبانان ما می توانند با آن پرواز کنند. ما چندین دهه است که علاوه بر هواپیما، از فرانسه انواع تجهیزات نظامی می‌خریم؛ قبل از رافال هم میراژ می خریدیم. دانشجویان قطری نیز در فرانسه تحصیل می‌کنند و در مانورهای نظامی مشترک با ارتش فرانسه از جمله ژاندارمری شرکت می‌کنیم.

- به نظر شما چه ویژگی‌هایی برای رهبر یک کشور لازم است؟

ضروری است که گوش دهید و هرگز هم تردید نکنید. تردید فاجعه است. لازم نیست لجبازی کنید، اما وقتی تصمیمی می‌گیرید و فکر می‌کنید که تصمیم درستی است، به خصوص پس از شنیدن نظرات مختلف، باید آن را ادامه دهید و اگر متوجه شدید که اشتباه بوده است، در تغییر آن نیز تردید نکنید. وقتی تردید دارید

همیشه منفی خواهد بود. این را از پدرم یاد گرفتم. اما وقتی نوبت به رهبری می‌رسد، می‌توانید از مسئولان حوزه‌های مختلف و نه تنها از سران کشورها بیاموزید. رهبران تجاری نیز باید با مشکلات دست و پنجه نرم کنند و حتی مدیران ورزشی. من کتابی در این زمینه از الکس فرگوسن، سرمربی منچستریونایتد خواندم. دغدغهٔ او کیفیت رهبری در بارهٔ مقابله با مشکلات است، اما نقش من متفاوت است؛ محافظت از مردمم.

- ملکه الیزابت دوم پس از ۷۰ سال سلطنت درگذشت. چه سوغاتی از او دارید یا چه درس هایی از زندگی او گرفته‌اید؟

علیاحضرت کسی بود که من برای او عمیق‌ترین احترام را قائل بودم. من افتخار ملاقات با او را در بسیاری از مناسبت‌ها داشتم که آخرین مورد در ویندزور در اوایل امسال بود. او بهترین ویژگی‌های رهبری را داشت؛ صداقت، درستکاری، انعطاف‌پذیری و همدلی. شنوندهٔ فوق العاده‌ای هم بود و حس شوخ طبعی فوق العاده‌ای داشت. از او تا ابد، به سانِ زنی

با قدرت و وقاری سترگ که فداکارانه به وظیفه خود متعهد شده است، یاد خواهد شد.

– کدام سران کشورها الهام بخش شما هستند؟

نمی‌توانم دربارهٔ سران فعلی کشورها اظهارنظر کنم، زیرا با بسیاری از آن‌ها دوست هستم، اما می‌توانم به شما بگویم که پدرم (که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ سلطنت کرد، یادداشت سردبیر) تا اندازهٔ زیادی الهام بخش من است. او مردی بزرگ، سخاوتمند و شجاع است و هنگام ارتکاب اشتباه، پیش از همه به اشتباه خود اقرار می‌کند. او به من توصیه های بسیار ارزشمندی کرد. رهبر بسیار جالب دیگری که از صحبت کردن با او لذت بردم، لی کوان یو، نخست وزیر سابق سنگاپور بود. من این فرصت را داشتم که چند بار با او ملاقات کنم و با او بنشینم و صحبت کنم. از او در بارهٔ زندگی و دستاوردهایش و نیز نحوه برخوردش با مشکلات پرسیدم. من از اون چیزهای زیادی یاد گرفتم و از کتاب‌هایش هم. او در اواخر عمر به قطر آمد. حتی سوار شتر هم شد...

– لی کوان یو که کشور کوچکی را در همسایگی کشور بزرگ مالزی اداره می‌کرد و بر استقلال اصرار ورزید. آیا شباهتی بین سنگاپور و قطر می بینید ؟

ما کشور مستقلی هستیم و این استقلال ضروری است. من نمی‌خواهم کسی ما را متعلق به یک طرف در مقابل طرف دیگر بداند. کشور ما کوچک است که در میان کشورهای بزرگ احاطه شده است. عضو شورای همکاری خلیج فارس هستیم و به میراث عربی خود افتخار می‌کنیم. ما نمی پذیریم که کسی به ما بگوید چه کار کنیم یا در امور داخلی ما دخالت کند و در عین حال، روابط خوبمان را با همه، از جمله همسایگانمان حفظ می‌کنیم.

در دهه ۱۹۹۰، ما به پیروی از فرانسیس فوکویاما، روشنفکر آمریکایی فکر می‌کردیم که الگوی غربی لیبرال دموکراسی در سراسر جهان گسترش خواهد یافت. اکنون، ما می‌دانیم که واقعاً این اتفاق نیفتاده است.

این رقابت بین الگوها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من معتقدم باید فرهنگ هر کشوری را در نظر بگیریم. برای نمونه، همین سنگاپور الگوی دموکراتیکِ خودش را دارد، یعنی حکومت. شما نمی‌توانید این الگو را کپی کنید و جای دیگری اصطلاحاً «پیست» کرد. سنگاپور کشوری آسیایی با فرهنگ و شیوهٔ زندگی خاص خود است. تا حالا هم جواب داده است. می بینید که کشور بسیار پیشرفته‌ای است. نمونه دیگر موفقیت رواندا با رئیس جمهور پل کاگامه است.

– آیا الگویی که لی کوان یو به کار گرفت و گاهی به آن خودکامگی روشنگرانه می‌گویند، می‌تواند نمونه‌ای برای قطر باشد؟

قطر، بیش از یک قرن است که الگوی خاص خود را دارد. ما آن را با اصلاحاتی بهبود بخشیده‌ایم. بیش از پنجاه سال است که ما مجلس شورایی داریم که من خیلی به آن وابسته هستم. نقش آن کمک به ما در اداره کشور است که بسیار هم کاربردی است. سیستم ما منحصر به فرد است، بسیار خوب کار می کند. اما من هرگز در انجام اصلاحاتی که برای کشور و مردمم مفید باشد، تردید نخواهم کرد، البته اگر فکر کنم لازم است. زیرا نقش من این است که از مردمم محافظت کنم، از کشورم محافظت کنم و مطمئن شوم که این کشور قادر به مقابله با هر چالشی است که بر سر راهش قرار می گیرد.

– دوست دارید هوادارانی که برای جام جهانی در ماه نوامبر به قطر بیایند دربارهٔ کشورتان چه چیزهایی یاد بگیرند؟

ما اولین کشور عربی هستیم که چنین رویداد جهانی بزرگی را برگزار می کنیم. این اتفاق، برای جوانان، به ویژه در جهان عرب بسیار مهم است. صدها هزار نفر خواهند آمد. هر کس، مهم نیست که چه کسی باشد، مهم نیست که چه منشأ و فرهنگی دارد، بیاید، مقدمش را گرامی می‌داریم. ما می‌خواهیم این بازدیدکنندگان دربارهٔ تفاوت‌های بین فرهنگ‌ها بیاموزند، فرهنگ قطر را کشف کنند و امیدواریم که دوباره به کشورمان بازگردند.

– وضعیت آب و هوا و تهویه در استادیوم‌های جام جهانی، چطور است؟

من فکر می کنم هر کشوری باید فرصت میزبانی رویدادهای ورزشی را داشته باشد، اما گاهی اوقات آب و هوا می تواند مانعی برای آن باشد. ما از آخرین فناوری برای به حداقل رساندن مصرف آب و انرژی در طول جام جهانی استفاده کرده‌ایم، تا آن را به رویداد پایدارتری تبدیل کنیم. برای نمونه، استادیوم شهر آموزش و همچنین ورزشگاه لوسیل که میزبان فینال

خواهد بود و استادیوم ۹۷۴ گواهینامه پایداری پنج ستاره را در سیستم ارزیابی پایداری جهانی از سازمان تحقیقات و توسعه خلیج فارس دریافت کرده‌اند.

– واکنش شما به انتقاداتی که به کشورتان می‌شود، به ویژه دربارهٔ شرایط کاری کارگران مهاجر در اماکن ساخت و ساز جام جهانی چیست؟

دو نوع انتقاد وجود دارد. بیشتر اوقات ما آن را به سانِ توصیه یا هشدار می‌بینیم و آن را جدی می‌گیریم. مثلاً متوجه شدیم که با کار در کارگاه‌های ساختمانی مشکل داریم و در زمان رکورد اقدامات قوی انجام دادیم. ما قانون را تغییر دادیم و هر کسی را که با یکی از کارکنان بدرفتاری کند، مجازات می کنیم. ما دروازه‌هایمان را بر روی سازمان‌های غیردولتی گشوده‌ایم و با آن‌ها همکاری می‌کنیم و به این امر افتخار می کنیم. سپس، دسته دوم انتقاد وجود دارد، نقدی که بی‌اعتنا به اعمالمان همچنان ادامه دارد. این‌ها کسانی هستند که قبول ندارند کشوری مسلمان عربی مانند قطر میزبان جام جهانی باشد. آن‌ها از هر بهانه‌ای برای تحقیر ما نهایت استفاده را می‌برند.

– آیا به نظر شما کشورهای غربی در برابر آفریقا بیش از حد متکبر هستند؟

من از این اصطلاح استفاده نمی‌کنم. زیبا نیست. اما وقتی به آفریقا نگاه می‌کنید، می‌بینید که موازنهٔ روابط در حال تغییر است، زیرا خود آفریقا در حال تغییر است. افکار عمومی شکل گرفته است، افراد با تحصیلات عالی روز به روز بیشتر می‌شوند و حکومتداری به وضوح در حال بهبود است. بنابراین، بله، همه چیز در حال تغییر است. اما به طور کلی، وقتی صحبت از نگاه غرب به همه ما می‌شود، پاسخ این است که مسئولیت خود را نیز بپذیریم. تا جایی که به ما مربوط می شود، در منطقه ما و گاهی در غرب، ما را به سان یک مجموعه کشور، در قالب کشورهای خلیج فارس یا عرب می‌بینند. بنابراین، ما باید مشکلاتمان را حل کنیم. اما به طور کلی، باید گفت: بله، همه چیز در حال تغییر است.

– خاورمیانه منطقه ای متلاطم است، آیا این امر، گاهی اوقات مانع از خواب آرام شما می‌شود؟

(می خندد) مطمئناً چیزهای زیادی وجود دارد که می‌تواند مانع از خواب آرام شود! اما من به مردمم و همه کسانی که در قطر زندگی می‌کنند، بسیار افتخار می‌کنم. ما از تمام سختی‌هایی که با آن روبه‌رو بوده‌ایم، قوی‌تر بیرون آمده‌ایم و در مواجهه با مشکلات همیشه متحد هستیم. این درست است که متأسفانه ما به یک منطقه مشکل دار تعلق داریم. ما می‌خواهیم از جوانان خاورمیانه حمایت کنیم و به آن‌ها امید بدهیم و تمام تلاشمان را برای برقراری صلح در منطقه انجام می‌دهیم. فعلا که از آن دور هستیم. مهمترین معضل برای ما، مسئله اسرائیل و فلسطین است. تا زمانی که حل نشود، متأسفانه منطقه در آرامش نخواهد بود و همچنین سوریه، لیبی، یمن... به همین علت است که من نگران جوانانمان هستم.

– آیا نگران هستید که رویدادهایی مانند بهار عربی در سال ۲۰۱۱ تکرار شوند؟

ریشه‌های عمیق بهار عربی متاسفانه هنوز وجود دارد! فقر، بیکاری، فارغ التحصیلان بی‌کار... آیا این مشکلات را حل کرده‌ایم؟ نه، برعکس اوضاع بدتر شده است. اگر به آن‌ها نپردازیم، اتفاقاتی که بر اثر آن‌ها روی داده‌اند، ممکن است تکرار شوند. به نظر من بهترین راه برای جلوگیری از تلاطم در آینده اجرای اصلاحات تدریجی است. ما باید به مردم امید واقعی بدهیم، نه فقط حرف. قطر قول داده است که ۱۰ میلیون دانش آموز را آموزش دهد و ما از این وعده فراتر رفته‌ایم. به زودی به ۱۵ میلیون کودک دبستانی خواهیم رسید. ما همچنین باید مشاغل و فرصت‌ها را فراهم کنیم، اما همچنین اجازه دهیم نظرات و تفاوت‌ها خود را ابراز کنند. قطر برنامه‌هایی برای کمک به آموزش بیش از ۲ میلیون جوان در سراسر جهان عرب و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آن‌ها ایجاد کرده است. برای نمونه، ما تجربهٔ منحصر به فردی در تونس داریم که در جریان آن به مردم کمک می‌کنیم کسب و کار خود را راه اندازی کنند. ده ها هزار جوان از این طرح بهره می‌برند.

– این واقعیت را چگونه می‌بینید که کشورهایی مانند مراکش، بحرین یا امارات متحده عربی قبل از حل مسئله فلسطین با اسرائیل روابط برقرار کرده‌اند؟

هر کشوری حق دارد با هر کشوری که می‌خواهد رابطه برقرار کند. اما عادی سازی با اسرائیل چیست؟ به طور جدی، آیا اوضاع در اسرائیل عادی است؟ نه! هنوز سرزمین های عربی اشغالی وجود

دارد، پناهندگانی که بیش از ۷۰ سال نتوانسته اند به خانه‌های خود بازگردند، مسلمانان و مسیحیان در محاصرهٔ غزه زندگی می کنند... در زمان توافق اسلو (۱۹۹۳، یادداشت سردبیر)، ما واقعا فکر می کردیم که صلح قرار است اتفاق بیفتد. لذا برای برقراری روابط رسمی با اسرائیل اقدام کردیم. این جا در دوحه، دفتر تجاری اسرائیل وجود داشت و در پی آن، جنگ غزه روی داد... ما باید راه حل مسالمت آمیزی برای مردم فلسطین پیدا کنیم، باید به آن‌ها امید بدهیم، باید سرزمینشان را به آن‌ها برگردانیم. ما با اسرائیلی‌ها صحبت می‌کنیم، به مردم غزه و همچنین کرانه باختری کمک می‌فرستیم و به راه حل دو کشور معتقدم. فلسطینی ها و اسرائیلی ها باید در کنار هم در صلح زندگی کنند. متأسفانه ما با آن زمان فاصله داریم.

- شماری از کشورهای عربی در حال تعامل مجدد با سوریه هستند، به آن‌ها چه می‌گویید؟

همان طور که به شما گفتم، هر کشوری در برقراری رابطه با کشور دیگر آزاد است. با این حال، زمانی که اتحادیهٔ عرب تصمیم به تعلیق عضویت سوریه گرفت، علتی داشت و این علت هنوز وجود دارد، تغییری نکرده است. من به نوبه خود آماده هستم در صورت وجود روند صلح در بارهٔ آینده سوریه و خواسته‌های مردمش، در مذاکرات شرکت کنم. اما در حال حاضر این گونه نیست. در اروپا، بسیاری از کشورها در پذیرش پناهندگان سخاوتمندانه عمل کرده‌اند. من درک می کنم که این کار، مشکلاتی ایجاد کرده است. چرا می‌پذیریم که یک رهبر مردمش را قتل عام کند و میلیون ها پناهنده را از کشورش اخراج کند؟ به سانِ انسان، آیا این قابل قبول است؟ علاوه بر این، وقتی می‌دانیم که این پناهندگان قرار است به سراغ ما بیایند و خود این، مشکلاتی را ایجاد می کند، باید چه کنیم؟ به جای این که منتظر باشیم تا آتش به خانه‌ام برسد، باید جدی باشیم و مشکل را از همان جایی که شروع می‌شود، در همان سوریه، متوقف کنیم و همین امر، دربارهٔ لیبی نیز صدق می کند. اگر مراقب نباشیم عواقب آن را خواهیم دید.

- ما دربارهٔ بسیاری از اقداماتی که در قالب شغل خود انجام می‌دهید، صحبت کردیم، اما در اوقات فراغت چه می‌کنید؟

در شغلم بیشتر مشغول کار هستم چه در اداره و چه در خانه. اما زمانی را برای گذراندن با خانواده، فرزندانم و ورزش کردن نیز پیدا می کنم. من هم دوست دارم سفر کنم، هرچند وقت زیادی برای این کار ندارم. در نهایت، من دوست دارم فیلم، مستند تاریخی، زندگی‌نامه یا خاطرات شخصی بخوانم. من به خصوص به تاریخ علاقه دارم.

- در لوپوئن، ما معمولاً پرسشی هم دربارهٔ آموزش می‌پرسیم که چه چیزی باید به فرزندان خود بیاموزیم. مثلا شما گفتید که پدر و مادر به شما تواضع آموخته‌اند...

من از آن‌ها سپاسگزارم که به من یاد دادند، فروتن باشم. وقتی جوان بودم، در سن ۱۳ سالگی، پدرم مرا به آلمان فرستاد تا تجهیزات ورزشی پیدا کنم و هزینه آن را بپردازم. او می توانست از هر کسی بپرسد، اما از من پرسید. بعداً متوجه شدم که این روشی بود که به من یاد داد تا خودم سفر کنم و مستقل باشم. قبل از آن، وقتی ۸، ۹، ۱۰ ساله بودم، او مرا در تعطیلات تابستان به خانواده‌ای در مالمدی بلژیک فرستاد تا زبان فرانسه یاد بگیرم. سپس به مدرسه شبانه روزی فرستاده شدم و در ۱۷ سالگی به آکادمی نظامی در سندهرست در بریتانیا رفتم. در دوران سربازی چیزهای زیادی یاد گرفتم. سپس، قبل از این که پدرم من را به ولیعهدی منصوب کند، چندین سال را در نیروهای ویژه قطر گذراندم. نظم و انضباط و خدمت سربازی چیزهای مهمی است. به همین علت است که ما در قطر خدمت اجباری داریم. ما قصد داریم چنین برنامه‌هایی را به زنان نیز تعمیم دهیم. مهم این است که جوان‌ها را از منطقه آسایش خارج کنیم و به آن‌ها بیاموزیم که سخت کار کنند، صبح زود بیدار شوند... می‌دانید که آموزش با چیزهای ساده‌ای شروع می‌شود؛ مثلاً صبح‌ها تخت خود را مرتب کنید!



عرب‌های خشمگین: ایران جنگ اطلاعاتی را وانهاده است!

اسد ابوخلیل، استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا
منبع: کونسورتیوم نیوز

اسعد ابوخلیل استاد لبنانی-آمریکایی علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا استانیسلاوس است. او نویسندهٔ فرهنگ لغت تاریخی لبنان (۱۹۹۸)، بن لادن، اسلام و جنگ جدید آمریکا ضد تروریسم (۲۰۰۲) و نبرد برای عربستان سعودی (۲۰۰۴) است. مقالهٔ او، انتقادی دلسوزانه از سیاست‌های ایران، از جمله در حوزهٔ رسانه‌ای است. گو آن که مقام‌های کشورمان، معمولا از دلسوزان متنفرند و به هوچی‌گران و بوق‌چی‌ها عشق می‌ورزند، با این حال، سهیل رسانه، این مقاله را ترجمه کرده است و در اختیار معدودی علاقمند قرار می‌دهد.
از دید اسعد ابوخلیل، پیامدهای جنگ فرقه‌ای آشکارِ به جامانده از تهاجم ایالات متحده به عراق، هنوز در سراسر منطقه احساس می‌شود، تا اندازه‌ای به سبب انفعال ایران.

من هنوز طنین انقلاب ایران را در جهان عرب به یاد دارم. این رویداد، فاجعه آمیز و بی‌شباهت به هیچ رویداد دیگری بود. یکی از دوستان همیشه از این که دین (در جهان عرب) قبل از انقلاب در حاشیه بود، می نالد.

باید به خاطر داشت که محمدرضا شاه پهلوی به شدت در میان اعراب منفور بود. او هرگز اهمیتی نمی داد که تصویری مطلوب برای رژیم خود در خارج از لبنان ایجاد کند، جایی که او شبه نظامیان/احزاب راستگرای مارونی را که به دستِ اسرائیل مسلح و تامین مالی می‌شدند، مسلح و تامین مالی کرد.

جای تعجب نیست که مستبدان خلیج فارس، شاه را دوست داشتند و روابط خوبی با او داشتند. آن‌ها او را به صدام حسین ترجیح می‌دادند، به ویژه زمانی که رژیمش در اوایل دهه ۱۹۷۰ گرایش‌های انقلابی را کنار گذاشت، تا جایی که حتی رژیم بعث عراق، نیز توانست در سال ۱۹۷۵ با او به توافق برسد. شاه متحد نزدیک اسرائیل و ایالات متحده بود و در عصر جمال ناصر و ناسیونالیسم عربی منفور بود.

تصاویری که پس از انقلاب ایران ذهن اعراب را شکل داد، صحنه‌های ازدحام انبوه مردم در خیابان‌ها بود که در قرن بیستم، صرفا هنگام تشییع جنازه ناصر و ام کلثوم، محبوب‌ترین خواننده عرب، در جهان عرب دیده شد.

انقلابِ ایران، واقعاً محبوب بود. پیش از این انقلاب، مردم عرب، عادت کرده بودند تغییرات سیاسی را تنها از طریق کودتاهای نظامی ببینند. (حتی انقلاب ۱۹۵۲ مصر نخست در قالبِ کودتا آغاز شد، اما ناصر، به ویژه پس از مقاومت در برابر حمله سه جانبه به مصر در سال ۱۹۵۶، توانست آن را به مسیری انقلابی هدایت کند. یعنی زمانی که اسرائیل، فرانسه و بریتانیا درست پس از ملی شدنِ جسورانهٔ کانال سوئز به دست ناصر، به مصر یورش بردند.)

عرب‌ها، از جمعیت عظیمی که موفق به سرنگونی نظام شاه شدند، الهام گرفتند. مردم فراموش می کنند که آمریکا و اسرائیل، چقدر برای حفظ حکومت او سرمایه گذاری کرده بودند. دستگاه اطلاعاتی و شکنجه‌گر ساواک عمدتاً پروژهٔ مشترک رژیم شاه و متحدانش در خارج از کشور بود. صحنه ای که بیش از همه ذهنیت عرب را به خود جلب کرد، تصرف سفارت اسرائیل در ایران و تبدیل آن به سفارت سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود. پرچم فلسطین، به دست رهبران این سازمان، بر ساختمانی که زمانی میزبان موساد در تهران بود، به اهتزاز درآمد.

رسانه‌های عرب، انقلاب ایران را در سطح گسترده‌ای پوشش دادند و تعداد زیادی از روزنامه نگاران، برای

مصاحبه با آیت الله خمینی به ایران سفر کردند. [مرحوم آیت‌الله] خمینی در ابتدا وعده‌های مبهمی دربارهٔ استقرار جمهوری اسلامی و ایجاد نظامی نه غربی و نه شرقی داد. این انقلاب در بحبوحهٔ بروز نشانه‌های فزاینده‌ای از سرخوردگی همگانی از ایدئولوژی‌های سکولار، به ویژه پس از شکست ناصر در سال ۱۹۶۷ و کاهش جذابیت ساف در اواخر دهه ۱۹۷۰ در لبنان رخ داد.

ساده‌زیستی حاکمان جدید ایران، با شیوه زندگی پر از تجمل و خودنمایی انور سادات رئیس جمهور مصر و مستبدان خلیج فارس تضاد فاحشی داشت. اختلافات شیعه و سنی در آغاز نهفته بود، زیرا [مرحوم] خمینی از وحدت اسلامی صحبت می‌کرد و گروه‌های مختلف اسلامی با گرایش‌های سنی، برای هماهنگی و اتحاد به تهران دعوت شدند. با این حال، هنوز موانعی وجود داشت. وعده‌های دموکراسی و مدارا، با اعدام‌های دسته جمعی و سرکوب پس از پیروزی انقلاب در تضاد بود.

اختلافات شیعه و سنی

تقریباً همزمان با انقلاب، خاندان سلطنتی سعودی، پس از تصرف مسجد الحرام در سال ۱۹۷۹ به دستِ شبه‌نظامیانِ [سلفی]، شروع به ترویج ایدئولوژی اسلامی مبتنی بر گرایش سنی کردند. چون احساس می کردند که مجبورند اعتبار اسلام‌گرایی خود را احیا کنند، زیرا شورشیان مسجدالحرام، در شورش سال ۱۹۷۹ به الگو و سبک زندگی خاندان سعودی حمله کرده بودند و جهت‌گیری غرب‌گرایانهٔ سیاست خارجی عربستان را زیر سئوال بردند.

به همین جهت، دولت ایالات متحده در برابر تبلیغ ایدئولوژی اسلام گرایانهٔ آکنده از تعصب به دست حکام سعودی اخم بر ابرو نیاوردند. برعکس، واشنگتن از این سرمایه گذاری حمایت کرد، چون در طول جنگ سرد، برای ایالات متحده آمریکا مفید بود.

ایجاد ارتش فراگیر و بین‌المللیِ اسلامگرا، در اصل، پروژهٔ مشترکی بود که ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی به اجرا نهادند. گو آن که ایدئولوژی گروه‌های سنی مورد حمایتِ مادی و میدانی رژیم سعودی، از نظر اعتقادی، به شدت ضد شیعه بود.

این پروژه، بذرهای اولیه اختلاف میان اهل تسنن و شیعیان را که بعدها در منطقه خاورمیانه شکوفا شد، پاشید.

نظام ایران نمی‌دانست چگونه با طرح فرقه‌ای سعودی رفتار کند. البته گروه‌های سنی مختلفی را که با تهران بیعت کرده بودند، تأمین مالی می‌کرد، اما بعدها ثابت شد که این امر، در برابر تحریکات فرقه‌ای بی اثر بود. ایدئولوژی حاکم بر ایران- ولایت فقیه، که اساساً یک عالم مذهبی شیعه، یک آیت الله را به عنوان رهبر جمهوری اسلامی معرفی می‌کند- به طور کلی ماهیت فرقه‌ای داشت و نمی‌توانست با عرب‌های سنی مذهب کوچه و خیابان ارتباط برقرار کند.

با این حال، نظام ایران از قاعدهٔ نیرومند هواداری از مسالهٔ فلسطین برخوردار بود. برای عرب‌ها، رجزهای ستیزه‌جویانه ضد اسرائیلی که نظام ایران سر می‌داد، با گفتمان سیاسی خاموش نظام‌های عرب که در حد عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی هوادار ایالات متحده بودند، در تضاد مطلوبی قرار داشت.

با این حال، در سال‌های اخیر، ایران در مقابله با ستیزه‌جویی‌های فرقه‌ای به رهبری عربستان که - به احتمال زیاد - به دلیل حمایت ایران از گروه‌های مقاومت عرب (هم سنی و هم شیعه) ضد اسرائیل هماهنگ شده بود، شکست خورده است. برای نمونه، ایران، حتی از جبهه خلق برای آزادی فلسطین، با گرایش مارکسیست حمایت کرده است.

جنگ رسانه‌ای

رسانه‌های سعودی در جلب نوکیشان بسیار مؤثرتر از رسانه‌های ایرانی عمل کرده‌اند (حتی آن‌هایی که در کشورهای عربی فعالیت می‌کنند) که همچنان، به مضامین و نمادهای شیعی چسبیده بودند و بقیه جهان عرب را فراموش کردند. این شکست، به تبلیغات رسانه‌ای ایالات متحده و خلیج فارس کمک شایانی کرده است.

مقام‌های ایرانی، در درک شدت آثار جنگ تبلیغاتی دشمنان عرب خود ناتوان بوده‌اند. عربستان سعودی، رسانه‌های فارسی زبانی را در اروپا و

کشورهای عربی تاسیس کرد. تقریبا هر اظهار نظری از سوی مقام‌های ایرانی بلافاصله ترجمه می‌شود - اغلب تحریف و جعل می‌شود - و در سراسر جهان عرب پخش شد.

مؤسسهٔ پژوهش رسانه‌ای خاورمیانه، با نام اختصاری *MEMRIL* بروندادی تبلیغاتی که اسرائیل برای کاتالوگ بندی [نوعی دستورالعمل‌های خاص] اظهارات مخرب مقام‌ها، روحانیون، روزنامه نگاران و روشنفکران عرب راه اندازی کرده است. به همین ترتیب، رژیم سعودی هر بیانیه‌ای را که می‌تواند در رجزخوانی خلیجی‌ها ضد ایرانی مفید باشد، کاتالوگ‌بندی کرد. برای نمونه، شماری از مقام‌های ایرانی، ابلهانه، ادعاهایی را درباره نفوذ ایران در پایتخت‌های عربی یا پیشرفت‌های «اردوگاه مقاومت» مطرح می‌کنند، بی آن که انتظار داشته باشند سعودی‌ها اظهاراتشان را تحریف کنند، به این اظهارات جنبهٔ گروهی و فرقه‌ای بدهند و در سطح وسیعی، در رسانه‌های عربی منتشر کنند.

یورش آمریکا به عراق و جنگ فرقه‌ای

ایران همچنین نتوانست نگرانی‌های اعراب را در بارهٔ



جنگ فرقه‌ای ناشی از حملهٔ آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ برطرف کند. واشنگتن و متحدانش دریافتند که جنگ فرقه‌ای، ایران را از جذابیت گسترده‌اش برای اعراب به سبب مواضع قاطعش ضد اسرائیل محروم می‌کند. سال‌ها تحریک فرقه‌ای نتیجه داده است. بسیاری از اعراب در واقع بر این باورند که ایران برای اهداف صرفاً فرقه‌ای با اعراب می‌جنگد.

جنگ سوریه به نفوذ ایران آسیب رسانده است، زیرا تصاویری از درگیری‌های فرقه‌ای منطقه‌ای را به تصویر می‌کشد. ایران و متحدانش دلایل خاص خود را برای حمایت از رژیم اسد داشتند (فارغ از دیدگاه‌های شخصی درباره آن دلایل و مشروع بودن یا نبودن آن‌ها) اما با شعارها و سرودهای فرقه‌ای و مذهبی آشکار، مداخله خود را مدیریت کردند. این تصاویر را رسانه‌های خلیجی [رسانه‌های بین‌المللی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و عربستان سعودی] به سراسر جهان اسلام ارسال کردند.

فاقد سیاست تعریف شده

ایران سیاست خارجی مشخصی در حوزهٔ جهان عرب ندارد. این کشور از گروه‌هایی حمایت می‌کند که در برابر دسیسه‌های سعودی در یمن، لبنان و عراق، از خود دفاع می‌کنند و همزمان در عراق با نمایندگان عربستان تحت نظارت نخست وزیر عراق که سعودی-آمریکایی است، در حال مذاکره است.

همچنان به سیاست‌های خود در حمایت از فلسطین ادامه می‌دهد، اما به تبلیغات رژیم‌های خلیج فارس دربارهٔ مداخلاتش در امور جهان عرب پاسخ نمی‌دهد. مقام‌های ایرانی به ندرت در رسانه‌های عربی- حتی رسانه‌های متحدان خودشان، مانند المنار متعلق به حزب الله ظاهر می‌شوند تا سیاست‌هایشان را توضیح دهند و با استدلال‌های دشمنانشان در خلیج فارس مقابله کنند. در عوض، ایران سیاست‌های خود را به صورت مخفیانه انجام می‌دهد و به دشمنانش اجازه می‌دهد تا اهدافش را تعریف کرده و انگیزه‌های آن را (اغلب به نادرستی تمام) شناسایی کنند.

تنش ایران و عرب‌ها، برنامهٔ اسرائیل و آمریکاست. همان طور که ایالات متحده جنگ دهه ۱۹۸۰ میان ایران و عراق را تشویق کرد و اجازه داد بیش از هشت سال طول بکشد. ایالات متحده و اسرائیل نمی‌خواهند که دولت‌های عرب و ایران، اختلافاتشان را حل کنند.

عواقب جنگ فرقه‌ای آشکاری که با حمله ایالات متحده به عراق آغاز شد، هنوز در سراسر منطقه قابل احساس است. این که درگیری فروکش نکرده، تا حدی به علتِ انفعال سیاسی و رسانه‌ای ایران است.

صرفا زمانی چشم‌انداز نزدیکی ایران و اعراب روشن می‌شود که توافق هسته‌ای حاصل شود و این توافق، از حمایت جمهوری خواهان برخوردار شود که عمر طولانی به آن می دهد. مسلماً بسیار بعید است.



در پی افزایش نرخ تورم در ایالات متحده، دولت فدرال برای مهار تورم، نرخ بهره را در چند نوبت افزایش داد. این اقدام، اگر چه مسکنی برای بدهکارترین کشور دنیاست، اما در نهایت به تجارت خارجی این کشور ضربه وارد کرده است. به ویژه در زمانی که آمریکا می‌کوشد تا عجز تراز بازرگانیش را در برابر چین بهبود بخشد. گزارش زیر از شبکهٔ خبری ان پی آر، به خوبی این وضعیت را توضیح می‌دهد.

میزگرد:

دلار آمریکا در حال حاضر قوی است، اما همه از این بابت خوشحال نیستند.

مجری: دیوید گورا

دلار در دهه‌های اخیر، در مقایسه با بسیاری از ارزهای جهانی، قوی‌ترین ارز محسوب می‌شود. این بر اقتصاد جهانی و فرایند بازرگانی تأثیر می گذارد. انتظار می رود که خزانه‌داری فدرال آمریکا، باز هم نرخ بهره را افزایش دهد که تا حد زیادی این انتظار وجود دارد که حدود سه چهارم یک درصد باشد. خزانه‌داری فدرال، با هدف مهار تورم، نرخ بهره را چنان افزایش می‌دهد که در نسل ما بی‌سابقه است که البته ارزش دلار آمریکا را نیز تقویت کرده است. شاید به نظر برسد افزایش دلار خبر خوبی باشد، اما آن گونه که دیوید گورا گزارشگر ان پی آر گزارش می‌دهد، این خبر برای شرکت‌هایی که در سطح جهان سوداگری می‌کنند و نیز کشورهای جهان [که از آمریکا کالا وارد می‌کنند] مشکل آفرین خواهد بود.

دیوید گورا: ارزش دلار آمریکا در مقایسه با دیگر ارزها، درست زمانی افزایش یافته که معضلات اقتصادی زیادی، از جمله کمبود نیروی کار، تورم بالا و پیامدهای جنگ در اوکراین وجود دارد. برای سرمایه گذاران این اتفاق اطمینان‌بخش است و به علاوه، همگامی آن را با افزایش نرخ بهره، به سانِ راهی برای

بازدهی بالاتر می‌دانند، اما قدرت دلار جنبه‌های منفی دارد و شرکت‌های چندملیتی بزرگ این را از نزدیک حس می‌کنند. برای نمونه، حجم تجارت [جهانی] شرکت سیلسفورس (Salesforce) سر به ۱۵۰ میلیارد دلاری می‌زند. این شرکت، نرم‌افزاری را برای مدیریت داده‌های مشتریان به شرکت‌ها می‌فروشد. مارک بنیوف، مدیر عامل شرکت، در تماس دائم با تحلیلگران وال استریت است.

مارک بنیوف: فصل قبل، خیلی عالی بود، اما باز هم، دلار یک سه ماهه قوی‌تر پیش رو دارد و ما همچنان شاهد تاثیر آن بر ارز خارجی و نوسانات ارزی بر وضعیت مالی خودمان هستیم.

گورا: شرکتِ سیلسفورس، در سانفرانسیسکو مستقر است، اما محصولاتش را در سراسر جهان، به ارزهای مختلف می‌فروشد. مایکل کلاین استاد امور اقتصادی بین‌الملل در دانشگاه تافتس است و می‌گوید وقتی شرکتی مانند سیلسفورس، آن چه را که تولید می‌کند به دلار تبدیل می‌کند، تحت فشار قرار می‌گیرد.

مایکل کلاین: سود ناشی از تبدیلِ ارزهای بازگردانده شده از خارج از کشور، اعم از یورو یا پوند یا ین، به دلار کمتر خواهد بود، زیرا دلار قوی‌تر است.

گورا: سیلسفورس، انتظار دارد در این سال مالی، دلارِ قوی‌تر، بیش از ۸۰۰ میلیون، دلار ضرر روی دستش بگذارد. کلاین می‌گوید: این فضا، برای اکثر صادرکنندگان ایالات متحده، فضای بسیار سنگینی است.

کلاین: افرادی که در تلاش برای فروش کالا در خارج از کشور هستند، متوجه خواهند شد که دلارِ قوی، کار را دشوارتر می‌کند، زیرا باعث گران شدن کالاهای آمریکایی در کشورهای دیگر می‌شود.

گورا: بنابراین، ایالات متحده به طور موثری، تورم را به کشورهای دیگری که در حال حاضر با قیمت‌های بالاتری دست و پنجه نرم می‌کنند، گسترش می‌دهد و عملا توانایی هر دو طرف را کاهش می‌دهد. چنین وضعیتی، برای واردکنندگان آمریکایی خوب است که از خارج کالا می‌خرند و همچنین، برای مسافران آمریکایی که به خارج از کشور می‌روند. آن‌ها، دنیا را می‌توانند بخرند. شرکت‌های بزرگ، در برابر تقویت و تضعیف ارزها حساسند، اما عده‌ای از مدیران می‌گویند: این حساسیت، به علت عدم اطمینان اقتصادی و نوسانات بازار بسیار بیشتر از قبل شده است. جو وُلک مدیر مالی شرکت «جانسون اند جانسون» است.

جو وُلک: موضوع فقط این نیست که نرخ برابری یورو و دلار آمریکا همسان شده است...

گورا: یعنی یک دلار با یک یورو برابر است که برای اولین بار در بیست سال گذشته، در ماه جولای اتفاق افتاد و این دو ارز هنوز، تقریباً همسان هستند.

وُلک: پرش شتابنده‌ای که روی داده است، عامل روی دادن نوسانات بازار است.

گورا: بله، و این امر، حاشیهٔ امن را کاهش داده است. در حال حاضر، دلارِ قوی، نگرانی واقعی برای اقتصادهای نوظهور، به ویژه کشورهایی است که گندم و نفت و سایر کالاها را می‌فروشند. قیمت بسیاری از آن‌ها به دلار است، بنابراین گرانتر شده‌اند و ...

کلاین: بیشتر بدهی‌های بازارهای نوظهور نیز به دلار است. بنابراین، وقتی دلار قوی‌تر می‌شود، بازپرداخت بدهی هم سخت‌تر می‌شود.

گورا: آرژانتین به همراه برزیل و کلمبیا و بسیاری از کشورهای دیگر نیز با این شرایط روبرو هستند. انتظار نمی‌رود ارزشِ دلار به این زودی کاهش یابد. اول از همه، انتظار می‌رود که خزانه‌داری فدرال به افزایش شدید نرخ بهره ادامه دهد و علاوه بر آن، تقاضای زیادی برای انرژی ایالات متحده از اروپا وجود دارد که خود را از نفت و گاز روسیه دور کرده است. جردن روچستر کارشناس ارز خارجی در شرکت نومورا سیکوریتیز است.

جردن راچستر: این ماجرا، به این زودی‌ها از بین نمی‌رود که هیچ، با ورود به زمستان، سرعت آن افزایش هم خواهد یافت.

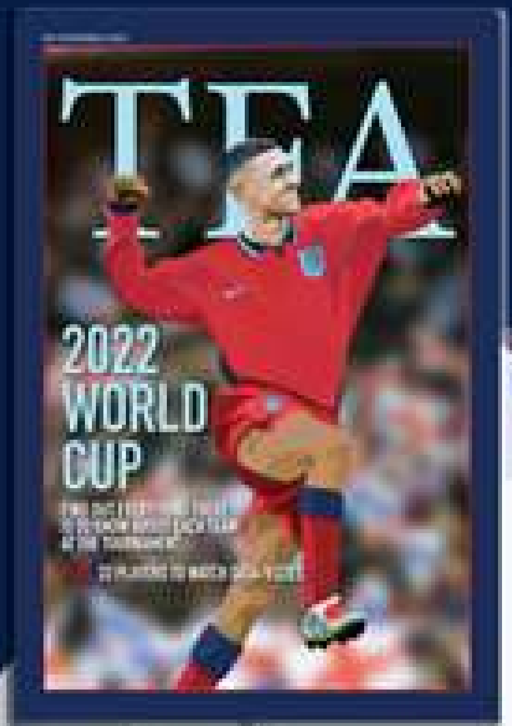
گورا: این خبر، ممکن است خبر خوبی برای صادرکنندگان انرژی ایالات متحده باشد، اما این اتفاقات، از صدمات بیشتری برای سالی خبر می‌دهد که پیش از این هم پر صدمه بوده است.

نگاه تاکتیکی به توانایی‌های ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر

- آدام اسکولی
مجله توتال فوتبال آنالیز- TFA

- ترجمه حیدر سهیلی اصفهانی
سهیل رسانه





ایران امیدوار است در قطر، برای نخستین بار، مرحله گروهی مسابقات را پشت سر بگذارد و تاریخ سازی کند. این کشور، با وجود کسب جواز حضور در پنج دوره قبلی جام جهانی، از جمله سه دوره از چهار دوره اخیر، اما هرگز به مرحله حذفی راه پیدا نکرده است.

دو دوره آخر جام جهانی که ایران به آن راه یافت، در سال‌های ۲۰۱٤ و ۲۰۱۸ بود، بنابراین، زمستان امسال سومین دورهٔ پی در پی است که ایران به جام جهانی صعود خواهد کرده است. در هر سه دوره، هدایت تیم ملی را دستیار سابق منچستریونایتد کارلوس کی روش برعهده داشت و دارد. کسی که در کنار سر الکس فرگوسن بزرگ، به دو عنوان لیگ برتر و حتی لیگ قهرمانان اروپا دست یافت.

با این حال، این بار، این کی روش نبود که ایران را به مرحلهٔ نخستِ جام جهانی رسانده است، بلکه این دراگان اسکوچیچ، سرمربی قبلی بود که ۱۵ مسابقه از ۱۸ مسابقهٔ مرحلهٔ مقدماتی برد، تا این تیم خاورمیانه‌ای را به رقابت‌های دلخواهش برساند.

در تابستان، اسکوچیچ، پس از باخت در دو بازی از سه بازی اخیرش اخراج شد. هرچند فدراسیون فوتبال ایران، دو ماهی، او را به خدمت بازگرداند. اما در نهایت، سرمربی کروات بار دیگر به طرز ظالمانه‌ای از وظایف خود کنار گذاشته شد و کی روش، در یکی از عجیب ترین اخراج‌های پیش از مسابقات جام جهانی، از زمان جدایی پرزحمت جولن لوپتگی از تیم ملی اسپانیا در سال ۲۰۱۸ تاکنون، ردای مربی‌گری تیم ملی ایران را بر تن کرد.

با وجود این، ایران که در گروه نسبتاً دشواری در کنار انگلیس، ولز و ایالات متحده قرار گرفته، ممکن است حداقل در دو مسابقه از این بازی‌ها، بختی داشته باشد.

این مقاله، در قالب گزارشی مقدماتی، به تحلیل تاکتیکی ایران خواهد پرداخت. این، تحلیلی خواهد بود از تاکتیک‌هایی که کارلوس کی روش احتمالاً در گرمای طاقت فرسای قطر به کار خواهد گرفت.

پیش‌بینی یازده بازیکن آغازین ترکیب اصلی

پیش بینی ترکیب اصلی که کی روش، در جام جهانی به کار خواهد گرفت، بسیار دشوار است، زیرا این مربی ۶۹ ساله، به تازگی هدایت این تیم را برعهده گرفته است؛ کلا دو بازی که هر دو هم دوستانه بودند.

با این حال، در همین دو بازی، مشخص است که کی‌روش به دنبال استفاده از ترکیبِ «۱-۴-۱-۴» بود، به اضافهٔ بازیکن شمارهٔ ٦ [احتمالاً سعید عزت‌اللهی] که از فضای بین خط دفاعی و هافبک‌های پیشرو محافظت می‌کند.

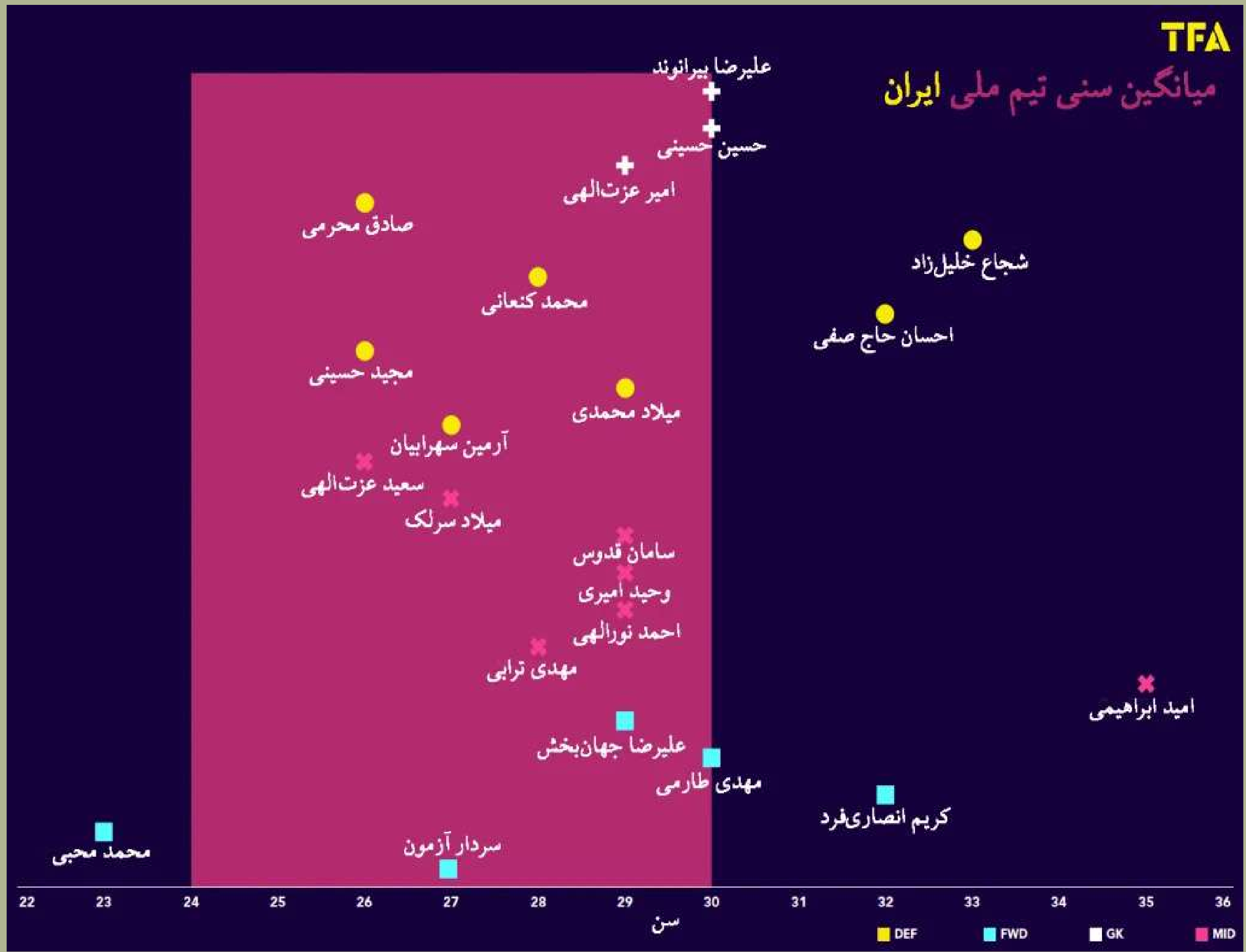
البته، این ترکیب فقط در زمانِ خارج از مالکیت توپ است، زیرا وقتی ایران روی توپ است، وینگرها به سمت بالاتر فشار می‌آورند و عرض را نگه می‌دارند تا ساختاری تهاجمی معمولی با ترکیبِ «۳-۳-٤» ایجاد کنند.

تحلیل و آنالیز کلی تیم ملی فوتبال ایران، این پیش‌بینی مطرح می‌کند که اگر این تیم، همه بازیکنان برترش را در اختیار داشته باشد، نخستین دستهٔ یازده نفری انتخابی جام جهانی، این افراد خواهند بود (تصویر صفحهٔ بعد).

پیش از صحبت دربارهٔ ترکیب احتمالی و ترکیبی که این مربی باتجربه با خود به قطر خواهد آورد، باید گفت که به نظر می‌رسد سردار آزمون مهاجم بایرلورکوزن، این تورنمنت را از دست بدهد. از آن جایی که این بازیکن ۲۷ ساله، یکی از بهترین بازیکنان تیم ملی است، برای این تیم، ضربهٔ سنگینی خواهد بود. بازیکنی که با یکی از باشگاه‌های لیگ قهرمانان اروپا قرارداد دارد.







پیش از صحبت دربارهٔ ترکیب احتمالی و ترکیبی که این مربی باتجربه با خود به قطر خواهد آورد، باید گفت که به نظر می‌رسد سردار آزمون مهاجم بایرلورکوزن، این تورنمنت را از دست بدهد. از آن جایی که این بازیکن ۲۷ ساله، یکی از بهترین بازیکنان تیم ملی است، برای این تیم، ضربهٔ سنگینی خواهد بود. بازیکنی که با یکی از باشگاه‌های لیگ قهرمانان اروپا قرارداد دارد.

به طور کلی، تیم پر از تجربه است. بازیکنان یا در نزدیکی مرز سی سالگی هستند، یا آن را رد کرده‌اند و این، به این معنی است که میانگین سنی تیم، احتمالاً بسیار بالا است.

در بازی اخیر مقابل سنگال، در آخرین بازی تدارکاتی بین‌المللی، جوان‌ترین بازیکن تیم اصلی ایران ۲۶ سال داشت و مسن‌ترین بازیکن ۳۲ سال داشت که به‌نظر می‌رسد میانگین سنی همهٔ اعضای تیم، به همین شکل باشد (جدول بالا).

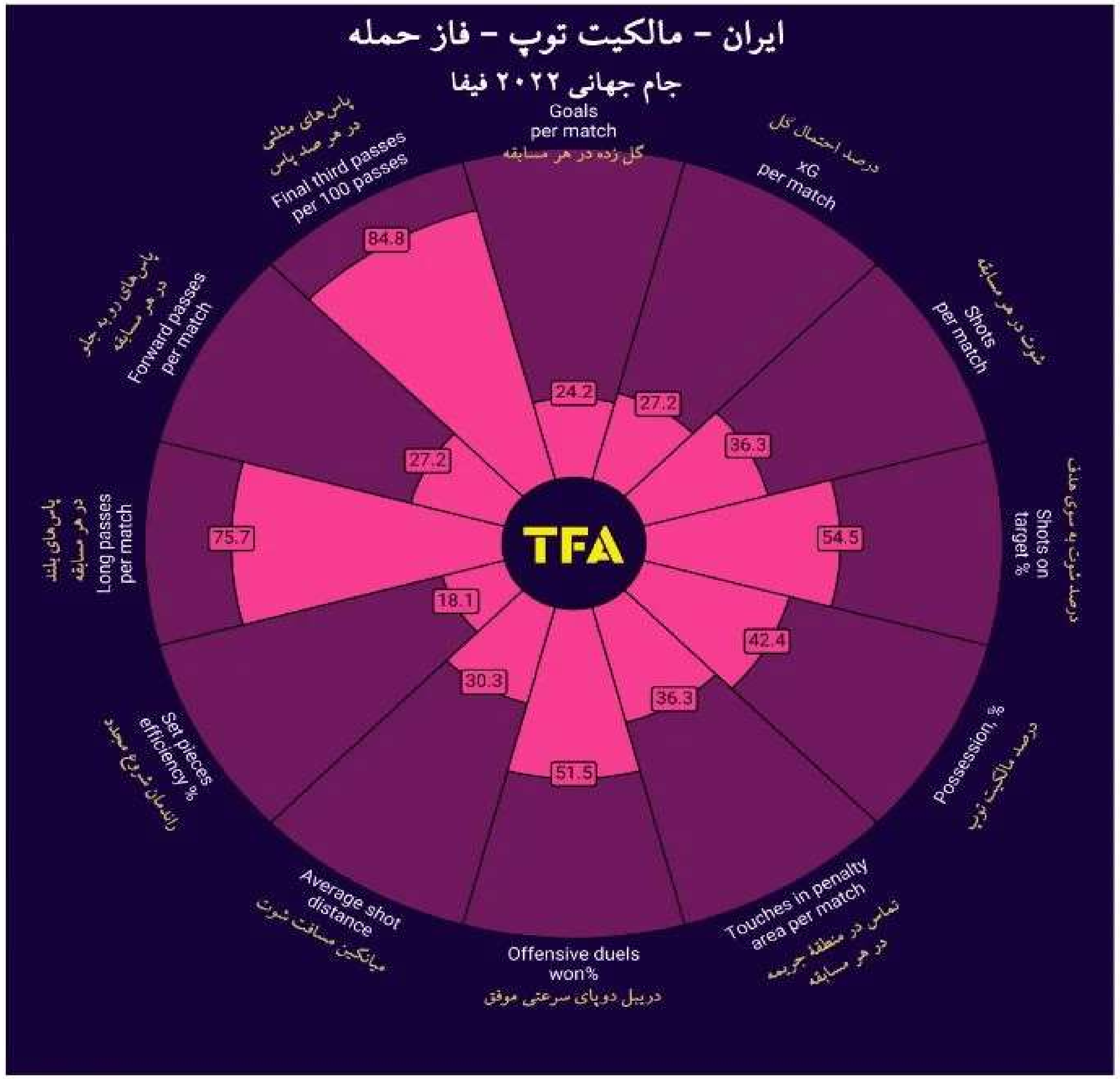
تیم ملی، ممکن است از همین سوراخ گزیده شود، زیرا بازیکنان جوان، ترکیب خوبی از شجاعت و نترسی را به ارمغان می‌آورند که پیشکسوتان باتجربه‌تر فاقد آن هستند. گو آن که باتجربه‌ها هم با رعایت موازین و چیره کردن حرفه‌ای‌گرایی و آرامش در تیم، می‌توانند [نقص عنصر جوانی] را جبران کنند.

جوانان همچنین نشاط و گرایش به تحت تاثیر قرار دادن تیم را با خود به ارمغان می‌آورند، به خصوص اگر این اولین تورنمنت آن‌ها باشد و بنابراین، می‌توان گفت کی‌روش، شور و نشاط چندانی پیرامون خود مشاهده نمی‌کند.

گو آن که بازیکنان باتجربه‌تر می‌توانند دستورات تاکتیکی مربی را بهتر انجام دهند و شاید به همین دلیل است که کی روش بلوغ را بر جوانی ترجیح می‌دهد.

فاز هجومی

ایران برخلاف انگلیس و آمریکا، دو همگروهی دیگرش، در پی حفظ مالکیت توپ نیست. سبک بازی بازیکنان این تیم، به سبک بازی ولز بسیار نزدیکتر است. بهترین راه برای توصیف رویکرد هجومی تیم کی روش، آن است که رویکرد هجومی



این تیم انعطاف پذیر است.

این بدان معناست که نه تنها ایران می‌تواند مالکیت توپ را در اختیار داشته باشد و تلاش کند تا از یک سوم زمین عبور کند، بلکه تیم ملی همچنین می‌تواند از یک بلوک به بلوک قبل عقب بنشیند و فضای بین خطوط را حذف کند تا حریف را قبل از ضربه زدن، زمین‌گیر کند.

تیم ایران، متناسب با حریف معین، تاکتیک‌های متفاوتی را در پیش می‌گرد. برای نمونه، در دو بازی دوستانه اخیر ایران مقابل اروگوئه و سنگال، این تیم در هر دو آوردگاه، بازی کاملاً متضادی را به نمایش گذاشت.

در برابر سنگال، مردان کی روش، شکل تنگاتنگ و جمع و جور خود را حفظ کردند، در حالی که قهرمان جام ملت‌های آفریقا بر توپ مسلط بود. در همین حال، در مقابل تیم آمریکای جنوبی، ایران مالکیت توپ بیشتری را در اختیار داشت و به سبب نبود پرسینگ در تیم اروگوئه، اجازه می‌یافت که هر بار خودش را از عقب زمین بازسازی کند.

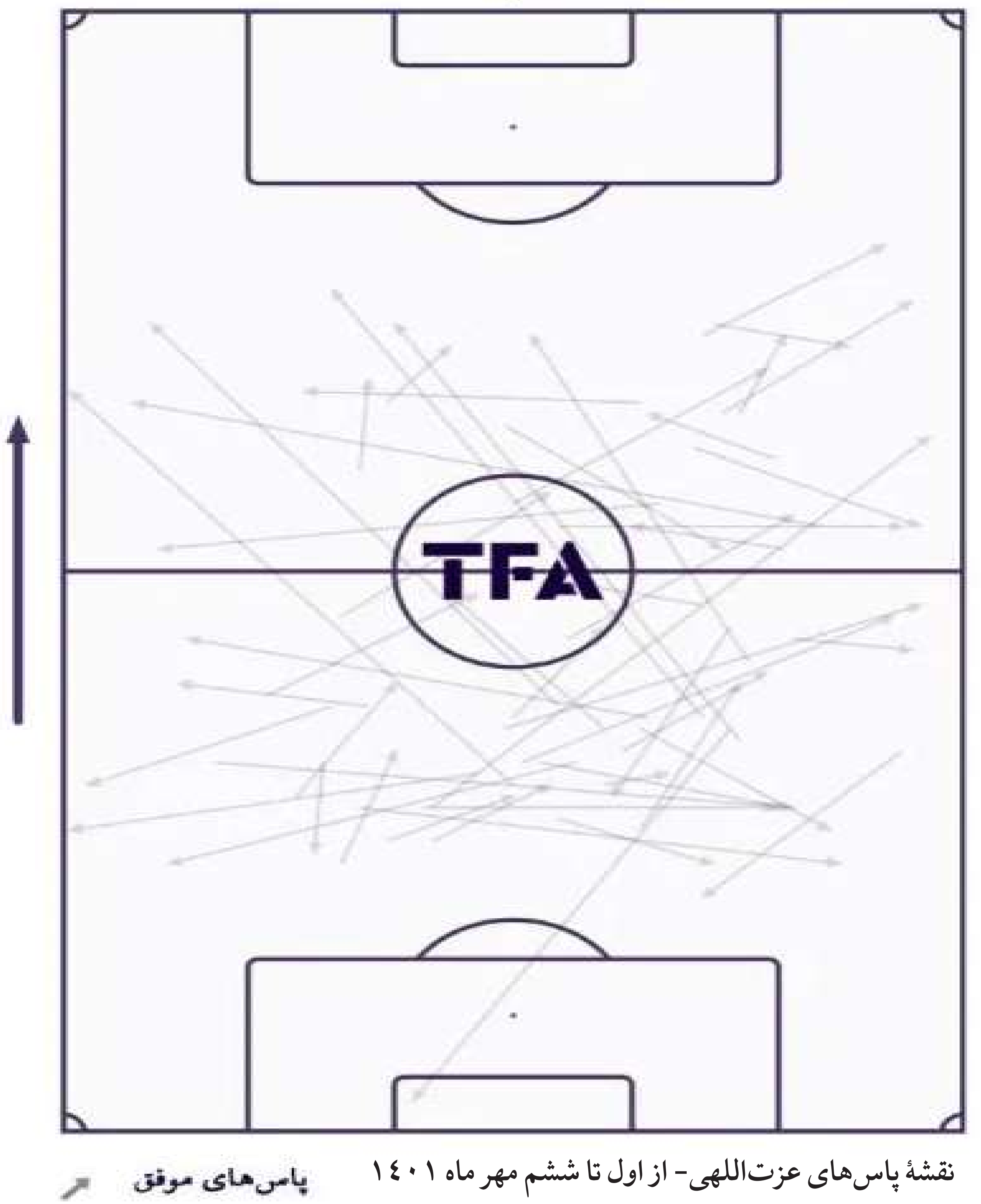
وقتی ایران از عقب بازی می‌کند، چیدمانش نسبتاً معمولی است، زیرا کی روش به دنبال اختراع مجدد چرخ نیست، بلکه صرفاً به دنبال آن است که چرخش را تضمین کند.

مدافعان کناری تقریبا عقب می‌مانند تا در صورت نیاز به پخش توپ به بیرون، از مدافعان میانی پشتیبانی کنند. علاوه بر این، مدافعان وسط بازتر تقسیم می‌شوند که به هافبک دفاعی اجازه دهند به داخل و خارج از خط دفاعی آزادانه تردد کند.

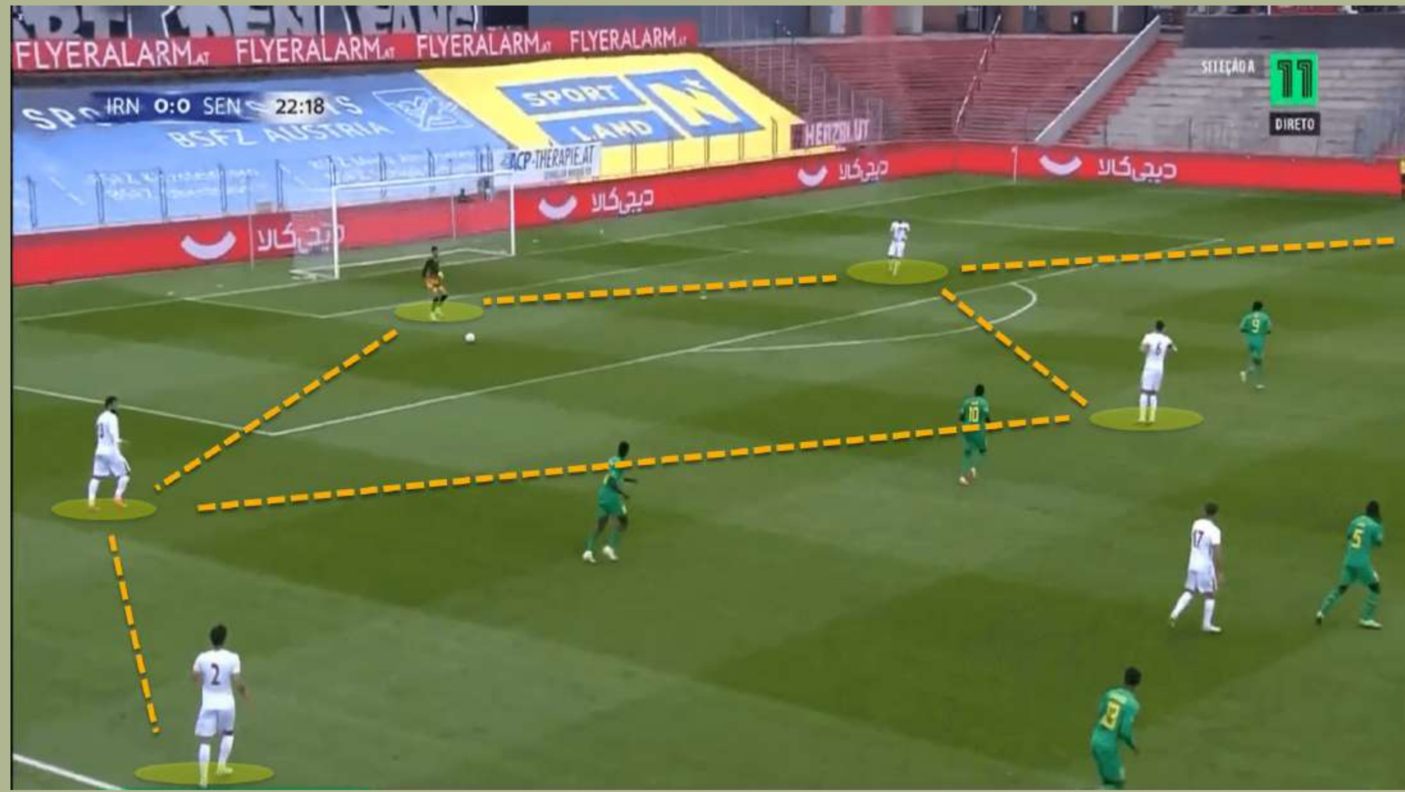
متأسفانه، برای تیمی مانند ایران، عبور از این محور بسیار دشوار است. این مهارت، نیاز به سطح بالایی از توانایی فنیِ هافبک‌ها دارد، در حالی که کی روش مهارت‌های دفاعی شمارهٔ «٦» خود را بر مهارت‌های هجومی‌اش ترجیح می‌دهد.

سعید عزت‌الهی بازیکن سابق ردینگ تاکنون در هر بازی تیم ملی، نقش هافبک را برعهده داشته است و هنگام ایفای نقش هافبک میانی یا میاندار، بازی بدون توپ را بهتر از بازی با توپ انجام می‌دهد.

در تصویر پایین که عزت‌الهی، نقش رابط دفاع به حمله را برعهده داشت، تمام پاس‌هایش را در دو بازی دوستانه بین‌المللی که کی‌روش هدایت تیم را برعهده داشت، نشان می‌دهد. هافبک ایرانی در گام نخست، پاس‌های مربعی یا پاس‌های مستقیم بیشتری به

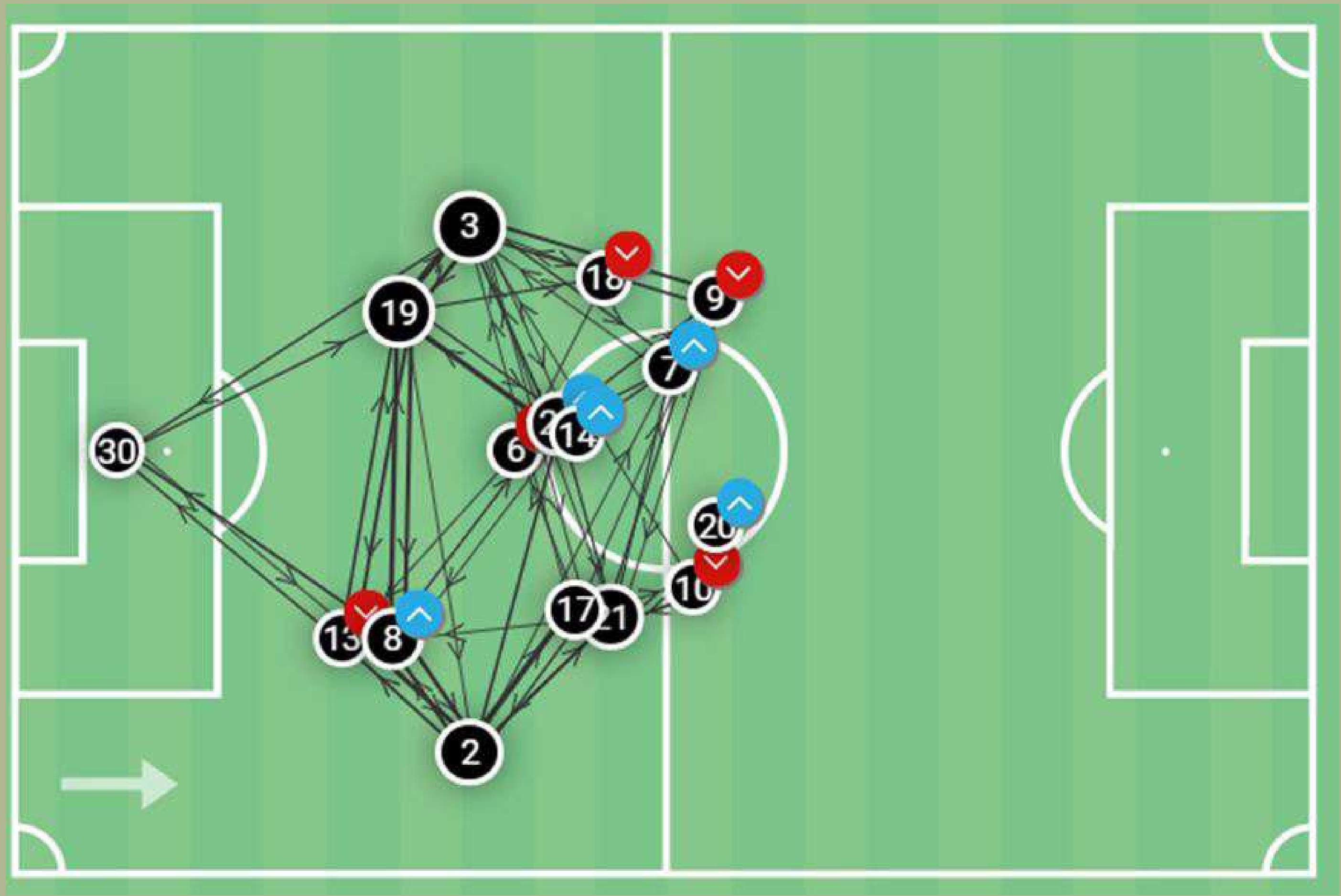


نقشهٔ پاس‌های عزت‌اللهی - از اول تا ششم مهر ماه ۱۴۰۱

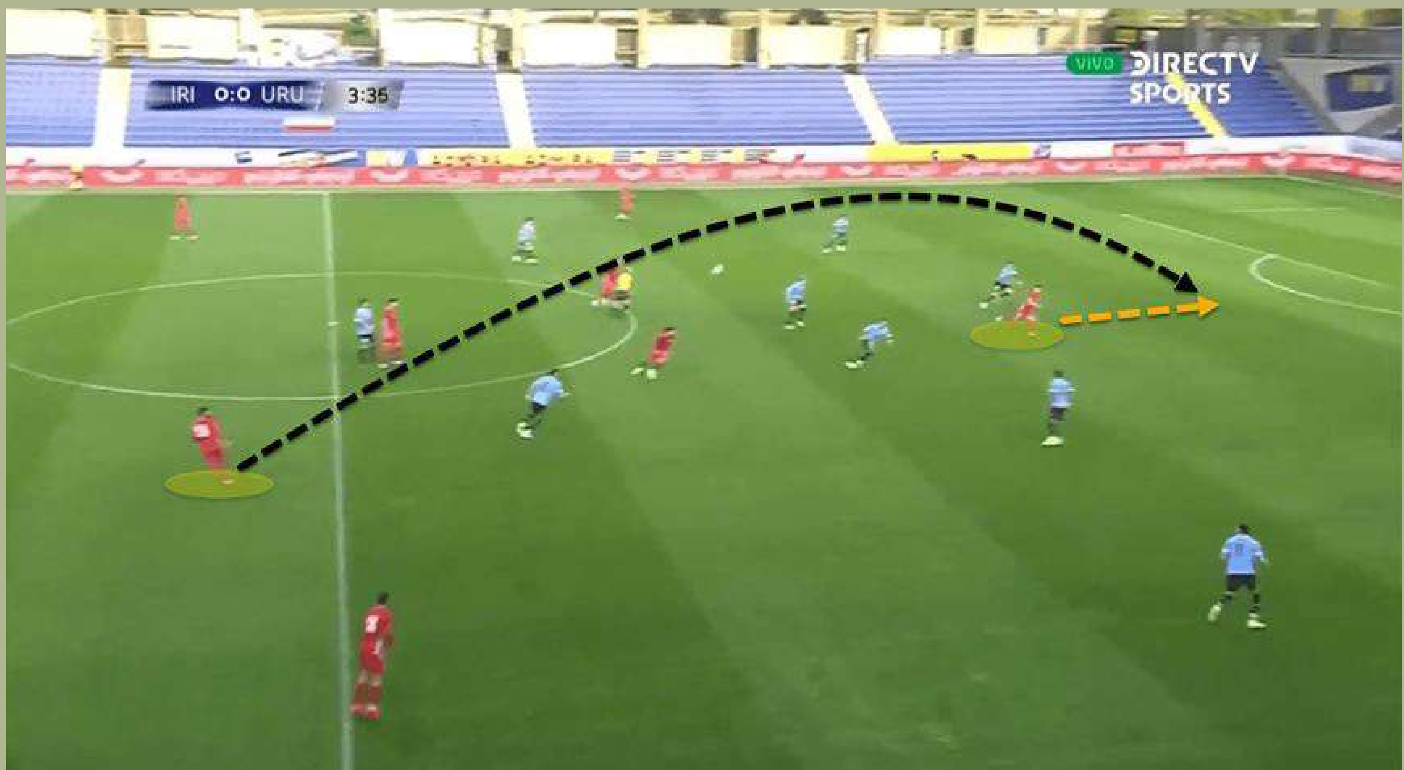


داخل کانال‌ها انجام داده است تا از نفوذ حریف میان خطوط [دفاعی] بکاهد.
تیم ایران، با علم به این که هافبک‌هایش، احتمالاً توانایی فنی لازم را برای انجام تکل‌های تاکتیکی ندارند، گرایش به آن دارد که توپ را به کناره‌های زمین ببرد تا بتواند با شتاب، آن را به نقاط عمیق‌تر زمین بکشاند.
٤-١-٤-١/٤-٣-٣ فرصت مناسبی را برای اضافه بارهای گسترده و بازی ترکیبی ارائه می دهد تا به طور طبیعی همان طور که در این مثال نشان داده شده است، تجسم بیابد. با شروع حرکت مدافع میانی راست، گوش راست، دفاع راست و هافبک راست میانی ایران همگی با هم ترکیب می‌شوند، تا از خط میانی اروگوئه به فضای پشت سر عبور کنند. میانگین مالکیت توپ در کناره‌های زمین هم این موضوع را نشان می‌دهد. نگاه کنید که شلوغی زمین تا چه اندازه گسترده است و پاس‌های عرضی به سوی کناره‌ها در مقایسه با مرکز زمین، تا چه میزان زیاد





است:
بازی ایران کاملا طولی است. کی روش علاقه زیادی به حفظ توپ، برای مدت طولانی ندارد. این امر احتمال اشتباه در نقاط حساس را افزایش می‌دهد. در عوض، مربی باتجربه به مردانش دستور می دهد که همیشه به دنبال اولین پاس رو به جلو باشند تا بتوانند با کمک بازیکنان پیش تاختهٔ پشت سر، به دفاع حریف نفوذ کنند.
این بدان معناست که مهاجم وسط همیشه باید جای مدافعان میانی [حریف] را اشغال کند و با بازی کردن از روی شانه، باعث خرابکاری شود [توپ از روی شانه برای او ارسال می‌شود و او باید مراقب رسیدن توپ



باشد]. در حالی که بازیکنان صاحب توپ باید تا آن جا که ممکن است ،برای یافتن او تلاش کنند. کریم انصاری فرد ۳۲ ساله، تاکنون این نقش را به خوبی برای ایران انجام داده است و هنگام تلاش برای دریافت سانترهای ارسالی و بازگشت توپ، بازی عمقی و فیزیک بدنی خوبی به نمایش می‌گذارد.

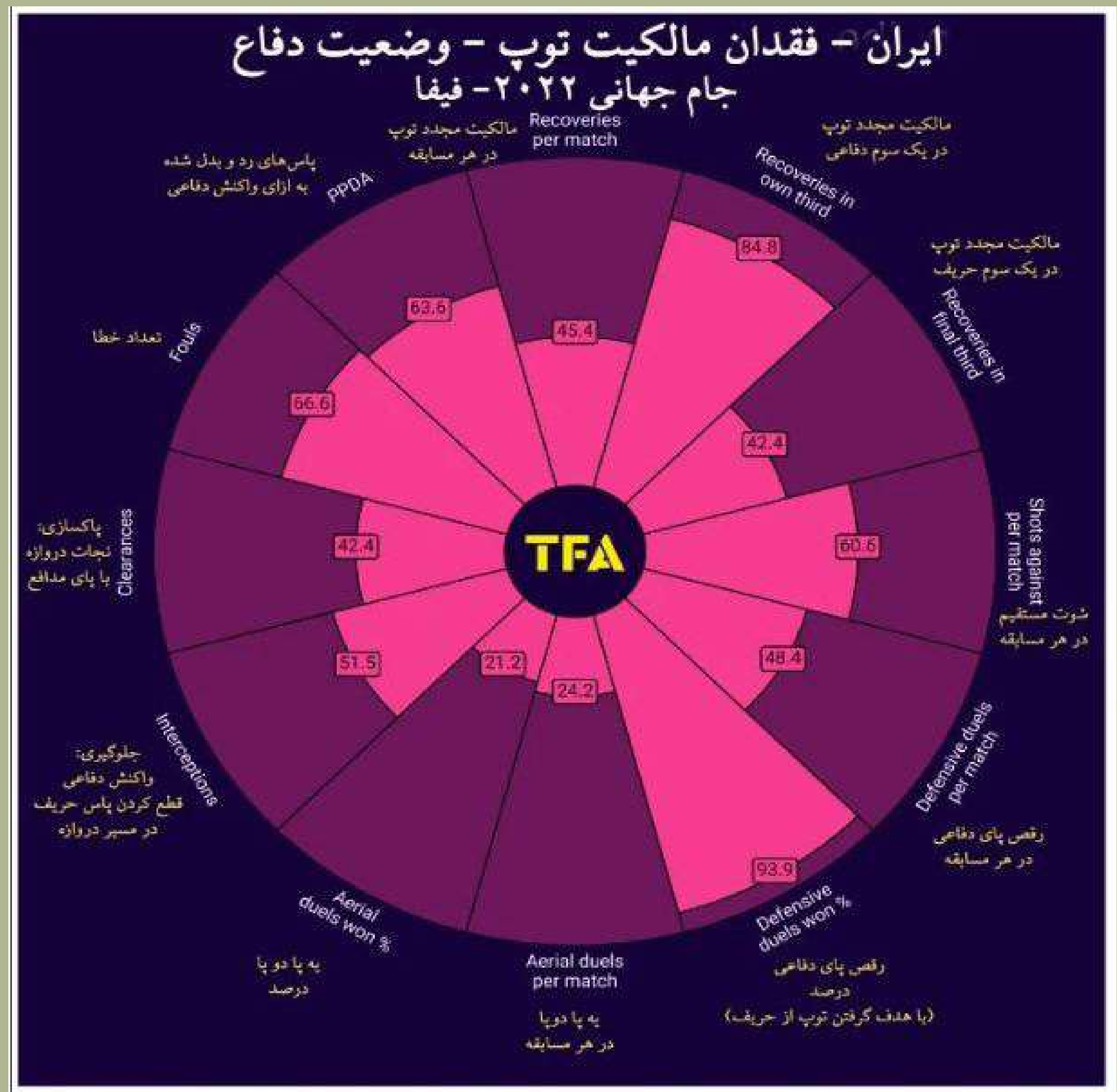
فاز دفاعی

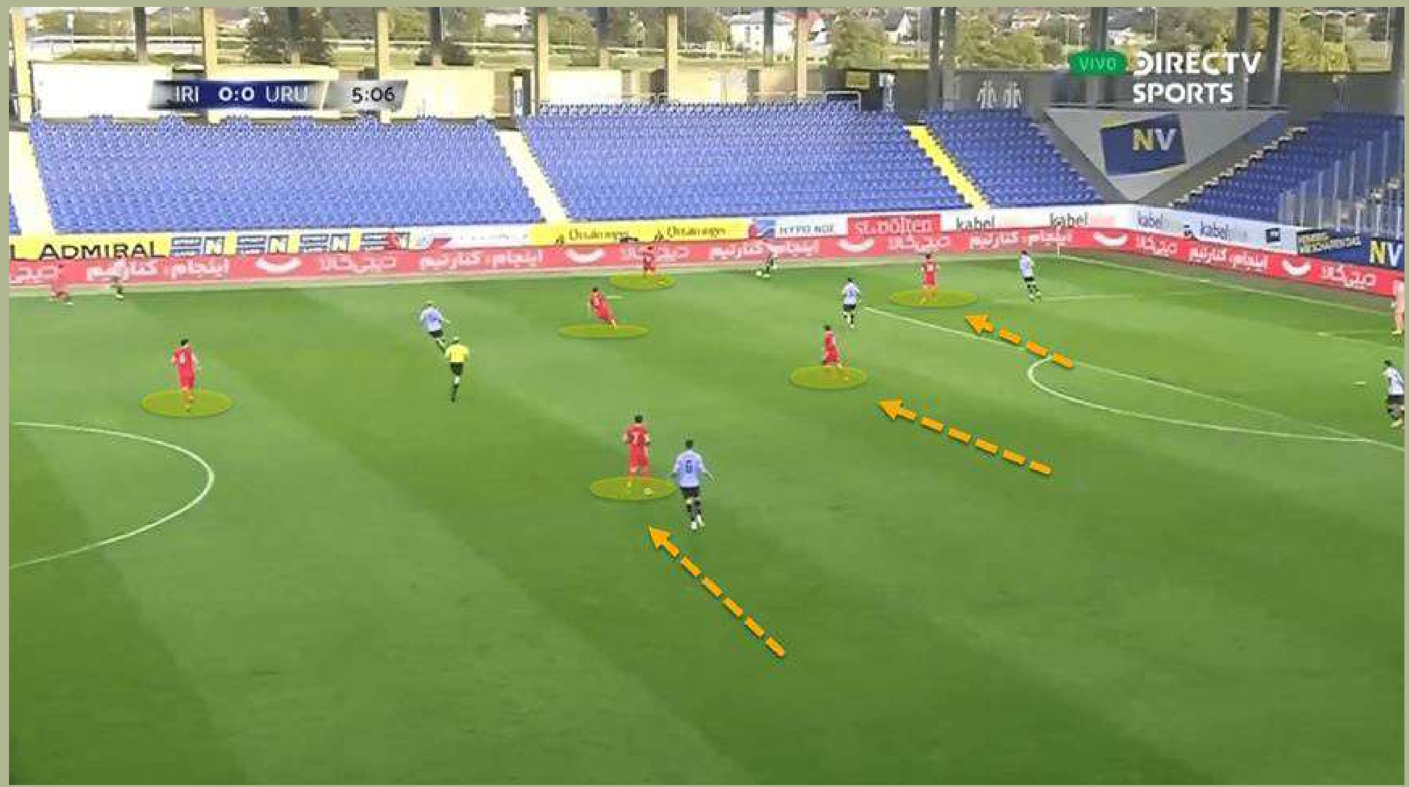
ایران در بازی بدون توپ و مالکیت زمین، بسیار لجوج است. کی‌روش عمل‌گرایی پرتغالی واقعی خود را نشان می‌دهد و می‌خواهد تیمش بسیار منضبط این اصل را رعایت کند.

با این حال، این بدان معنا نیست که بازیکنان، در تلاش برای مالکیت زمین، سعی در اتلاف وقت داشته باشند، بلکه هنگامی که در عقبهٔ زمین هستند، باید بلوک دفاعی چند لایه‌ای را تشکیل دهند و در بالای زمین پرس می کنند و همواره در پی آن هستند که تا جای ممکن، توپ را به دروازه حریف نزدیک کنند. کی‌روش به بازیکنانش دستور می‌دهد که ترکیبی از ساختار پرس منطقه‌ای و من تو من را اعمال کنند.

این بدان معناست که از همان ابتدا، ایران با استفاده از مهاجم میانی به سانِ آغازگر، تیم حریف را وادار می‌کند وارد نیمهٔ زمین خودش شود و با استفاده از خط میانهٔ زمین به سانِ انتهایی‌ترین نقطهٔ دفاعی، در مسیر تلاش و کسب مجدد مالکیت توپ، به صورت من تو من حرکت می‌کند.

در دو بازی کی روش تا اینجای کار، این تیم ۱۹

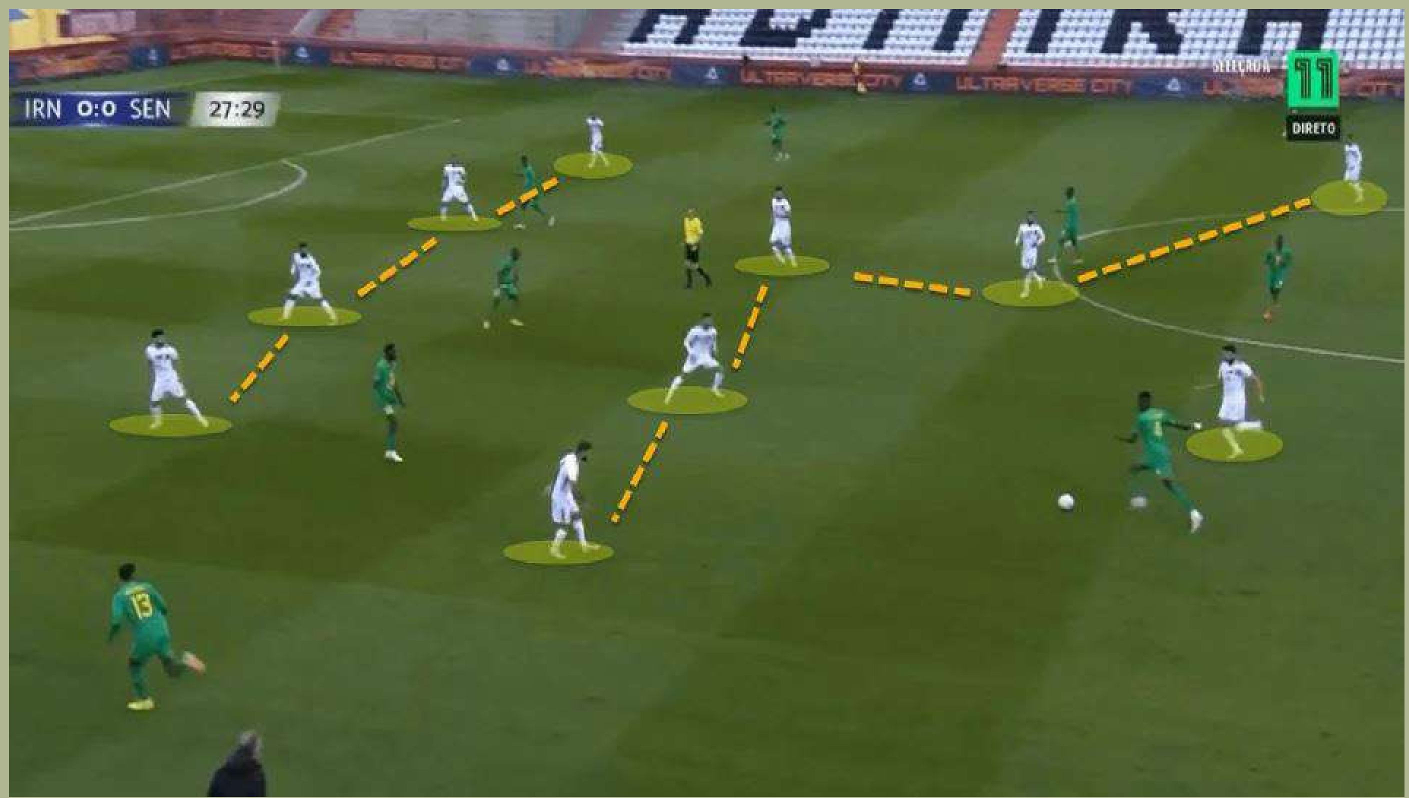




بازیابی توپ را در نیمه حریف ثبت کرده است که نشان می‌دهد در واقع دوست دارند شدت پرس را افزایش دهند.

با این حال، در نقاط انتهایی زمین، تراکم بسیار فشرده‌تر می‌شود. نیت کمتری برای مالکیت توپ دیده می‌شود، چون فواصل بین خطوط بسیار باریک است و عرصه برای حریف به منظور بازی در نقطهٔ دفاعی ایران تنگ می‌شود. قصد کمتری برای بردن توپ وجود دارد زیرا بین خطوط باریک باقی می ماند و به حریف فضایی برای بازی در بلوک دفاعی ایران نمی دهد.

از آنجایی که کی روش از ۴-۳-۳ در مالکیت استفاده می کند، بلوک به ۴-۱-۴-۱ فشرده تبدیل می‌شود و بازیکنان گوش عقب می‌افتند و شماره ۶، [عزت‌اللهی] نقش ایستگاهی خود را ایفا می‌کند و با حرکت متناوب بین خطوط میانی و دفاعی، دریافت‌کننده‌ها را انتخاب می‌کند.





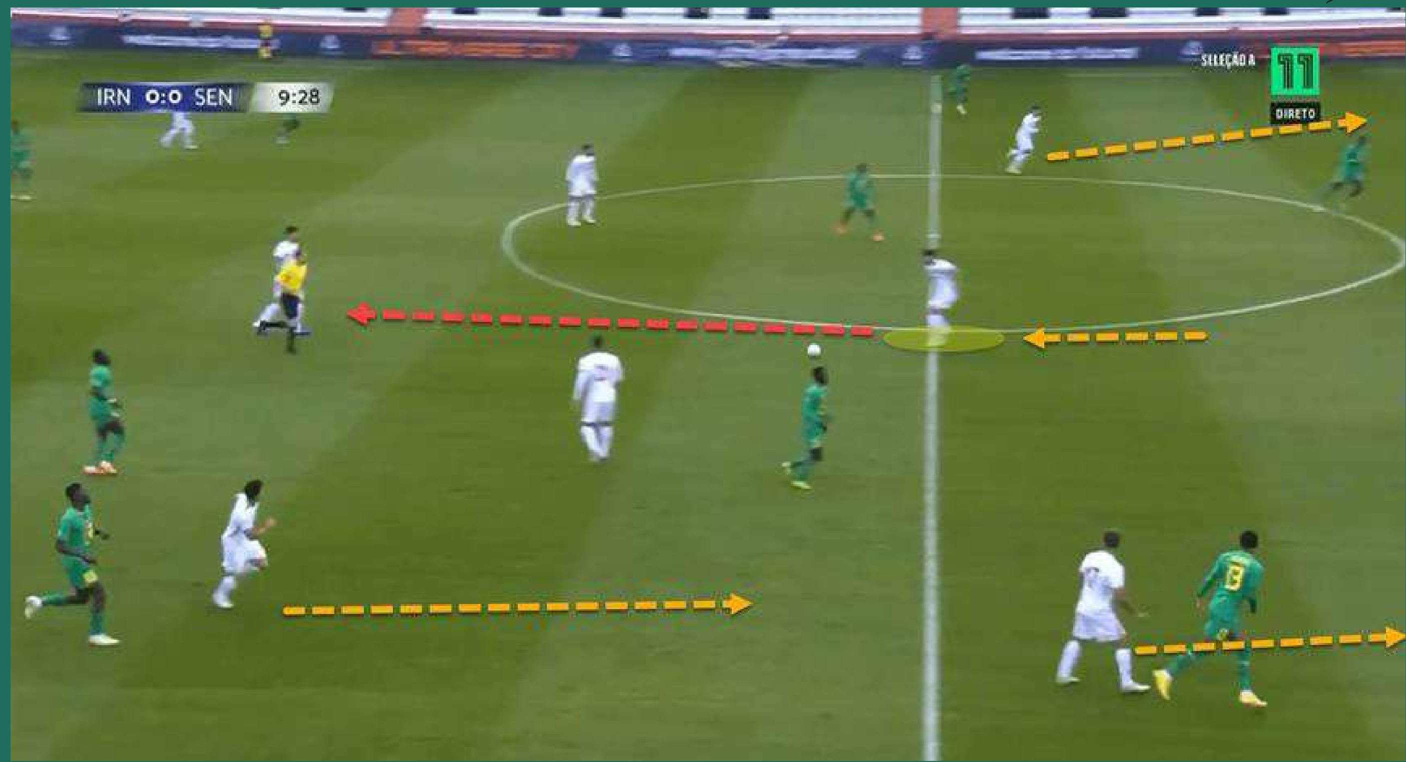
هـدف در ایـن مرحلـه، آن اسـت کـه بازیکنـان حریـف را از رسـیدن بـه همقطارانـش در داخـل بلـوک [ایسـتگاه] بـازدارد و اطمینـان حاصـل شـود کـه بـازی، یـا بـه شـکل گسـترده‌ای در عـرض جـاری اسـت و یـا در مقابـل واحدهـای دفاعـی در جایـی کـه بتـوان آن را مهـار کـرد، جریـان دارد.

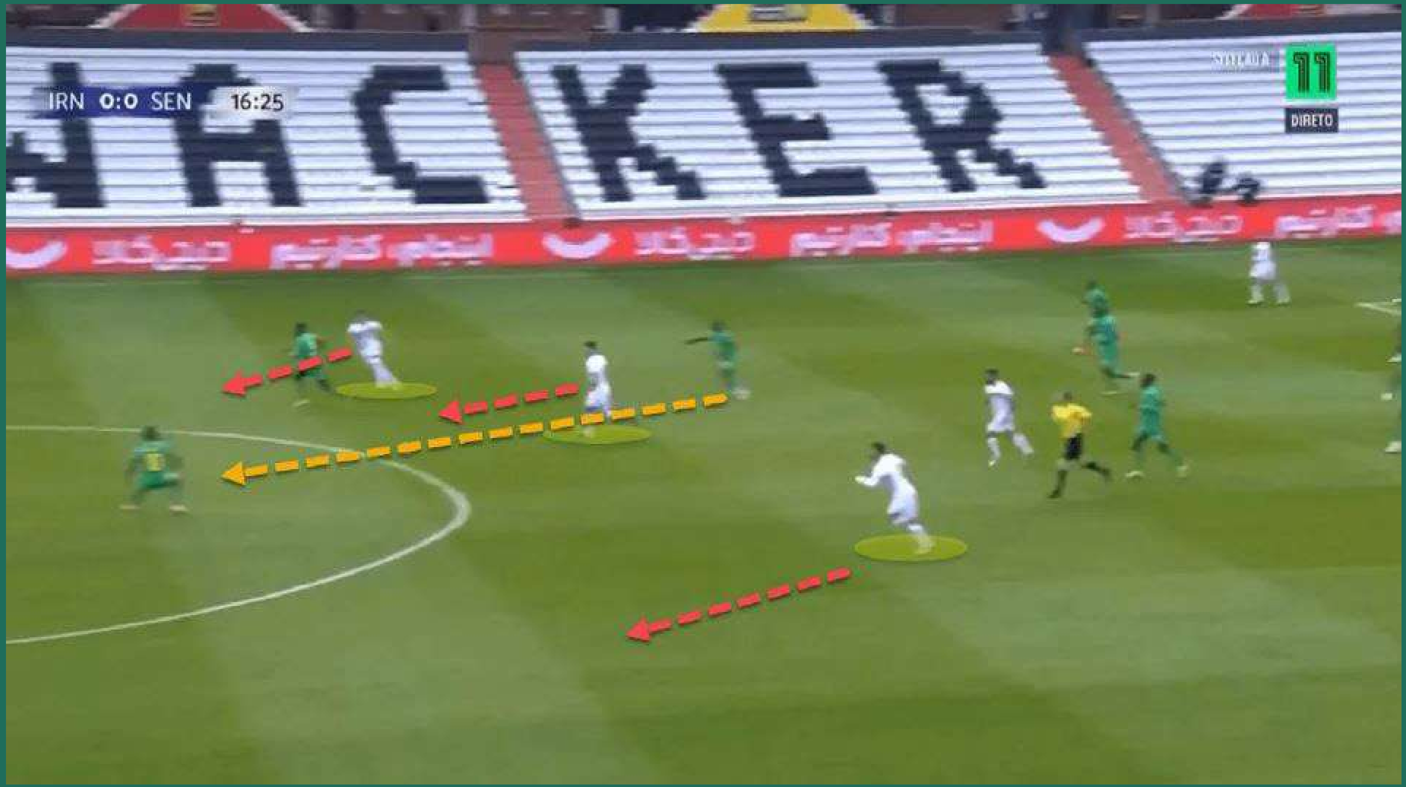
بـا ایـن حـال، تیـم ایـران هنـوز، بـر ایـن روش بـازی، بـه طـور کامـل مسـلط نشـده اسـت. در دو بـازی دوسـتانه‌ای کـه تاکنـون در دوران مربیگـری ایـن بازیکـن ٦٩ سـاله برگـزار شـده اسـت، سـنگال و اروگوئـه، بـا در اختیـار داشـتنِ بهتریـن بازیکنانشـان، خیلـی راحـت می‌توانسـتند بیـن خطـوط حرکـت کننـد و موقعیت‌هـای خطرناکـی ایجـاد کننـد.

اگـر بازیکنـان ایـران می‌خواهنـد انگلیـس، ولـز و بهتریـن مهاجمـان ایـالات متحـده را کـه در ایـن فضاهـا فعالیـت می‌کننـد، زمین‌گیـر کننـد، بایـد همـکاری بسـیار فشـرده‌تری را بـه نمایـش بگذارنـد.

انتقال

هنـگام انتقـال بـه حملـه، ایـران می‌توانـد بسـیار خطرنـاک باشـد، بـه ویـژه زمانـی کـه تیـم در عمـق بیشـتری مقابـل حریـف صاحـب تـوپ موضـع گرفتـه و منتظـر لحظـه مناسـب بـرای انتقـال بـه ضـد حملـه اسـت.



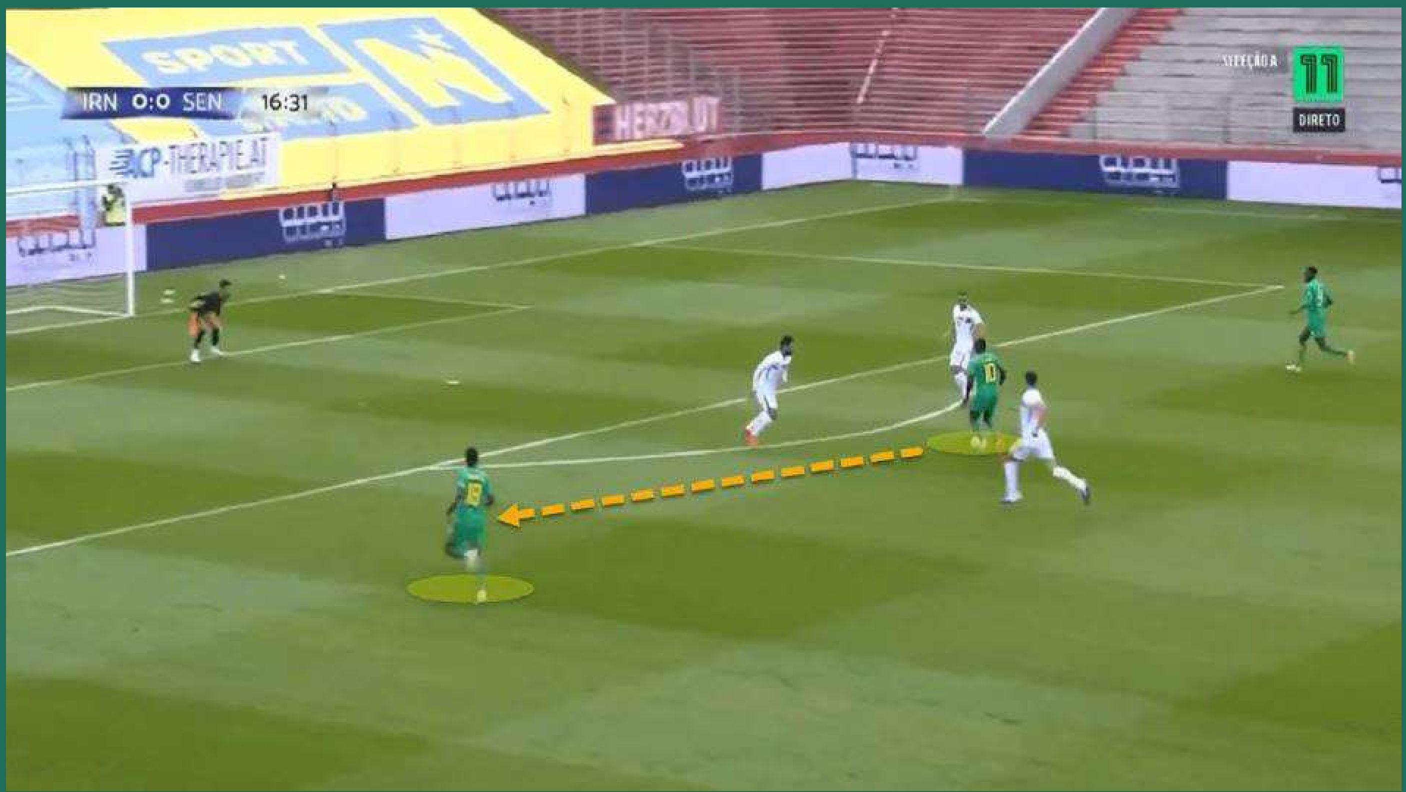


وقتـی تیـم ملـی عقـب اسـت، بازیکنانـش می‌خواهنـد تـا جایـی کـه ممکـن اسـت انتقال‌هـای هجومـی خـود را مسـتقیم‌تر بـه اجـرا بگذارنـد؛ چشـم بـه پاهـای مهاجـم میانـی دارنـد کـه بـا پاس‌هـای کوتـاه، مدافعـان حریـف را از موقعیتشـان بیـرون می‌کشـد و بـه بازیکنـان پیش‌رو اجـازه می‌دهـد در فضاهایـی کـه او خالـی کـرده اسـت، حرکـت کننـد.

بـا وجـود ایـن، عمـدهٔ چالـش و کشـمکش ایـران، در مرحلـهٔ انتقال‌هـای دفاعـی اسـت و ایـن امـر، ناشـی از کمبـود نیـرو و تـوان، در خـط هافبـک اسـت. چـون، در درجـه اول بـه ایـن دلیـل کـه تیـم پیـر اسـت و نشـاط جوانـی بسـیار کمـی، بـه ویـژه در کمربنـد میانـی دارد.

در طـول دومیـن دوره کوتـاه کـی روش، چنـد موقعیـت کلیـدی وجـود داشـت، بـه ویـژه در برابـر کیفیـت دریبلینـگ تکنیکـی و سـرعت حملـهٔ سـنگال کـه بـا هـر ضـد حملـه‌ای از جانـب حریـف، بازیکنـان خـط میانـی بـاز می‌شـدند [و از هـم فاصلـه می‌گرفتنـد.]

در ایـن جـا، خـط هافبـک و خـط دفاعـی ایـران پـس از





دست دادن توپ، در حال رویارویی با فشار شدیدتر حریفند. پرسینگ بسیار ضعیف، باعث شد سنگال به راحتی از آن عبور کند.

در این جا، خط هافبک و خط دفاعی ایران پس از دست دادن توپ، در حال رویارویی با فشار شدیدتر حریفند. پرسینگ بسیار ضعیف، باعث شد سنگال به راحتی از آن عبور کند.

از آن جایی که تیم آفریقایی، بخش اعظم زمین را در اختیار داشت، تنها در برابر مدافعان میانی ایران، از دستیابی به گل ناکام ماند.

اگر قرار است ایران در گروه انگلیس، ولز و آمریکا شانسی برای بقا داشته باشد، باید چنین موقعیت‌هایی را محدود کند.

مدافعان

خط دفاعی، جایی است که ایران ممکن است بیشترین مشکل را از نظر کیفیت داشته باشد. بازیکنانی مانند شجاع خلیل زاده و احسان حاج صفی می‌توانند در چنین آوردگاه بزرگی، تجربه بسیار لازمی را در اختیار خط دفاعی قرار دهند، اما کندی تیم در خط دفاعی، سبب می‌شود انگلیس، ولز و ایالات متحده بتوانند با عبورهای سریع از خط دفاعی، از این فرصت بهره ببرند.

محمد کنعانی و صادق محرمی در کنار این دو پیشکسوت وظیفه دارند با سرعت خویش، در خط دفاعی بازی کنند، اما گل‌های خورده کم تیم حریف، ممکن است مانع از صعود آن‌ها از مرحله گروهی شود و بار زیادی از تلاش برای راه‌یابی به مرحله حذفی را بر دوش خط هافبک‌های جلوزن این تیم بگذارد.

هافبک‌ها

سعید عزت اللهی هافبک سابق ردینگ بدون شک بهترین بازیکن دفاعی ایران در میانه زمین است. این بازیکن ۲۶ ساله، با لباس شماره «٦»، برای جلوگیری از گسست خطوط و پوشش دادن به فضاهای خالی بینشان تحت نظر کی روش در قالب سیستم ۱-٤-۱-٤ ، نقش ضروری بر عهده خواهد داشت.

عزت‌الهی همچنین می‌تواند در فاز هجومی برای یافتن بازیکنان جلوزن، در پشت خط دفاعی حریف حیاتی باشد و در دورهٔ دوم سرمربی‌گری کی‌روش، این وظیفه را به خوبی انجام داده است.

اگر عزت‌الهی نقش خود را به خوبی انجام دهد، می‌تواند سامان قدوس و میلاد سرلک را آزاد کند تا به تیم کمک کند و در نقاط هجومی‌تر، توپ را به جلو حرکت دهند. این در حالی است که ایران سرزن‌های باتجربه‌ای مانند وحید امیری و امید ابراهیمی روی نیمکت دارد که می‌توانند به میدان بیایند تا کمی آرامش را به کناره‌ها بدهند.

مهاجمان

مهدی طارمی، زمستان امسال برای ایران حیاتی خواهد بود. مهاجم اف سی پورتو در فرمی باورنکردنی در خدمتِ باشگاهش بوده و این امید هست که در بازی‌های تیم ملی در جام جهانی قطر نیز، این امر تجسم یابد.

با این حال ایران می‌تواند از کریم انصاری‌فرد نیز کمک بگیرد که عملکرد بسیار خوبی برای اومونیا نیکوزیای قبرس داشته است. خیلی‌ها، در دیدارهای خانگی و خارج از خانهٔ اومونیا مقابل منچستریونایتد در لیگ اروپا هم نگاهی اجمالی به این بازیکن ۳۲ ساله داشتند، جایی که او در موارد متعدد خط دفاعی شیاطین سرخ را به دردسر انداخت و حتی در بازی خانگی گلزنی کرد.

به علاوه، تیم ملی بازیکنانی مانند علیرضا جهانبخش در اختیار دارد؛ بازیکنِ فاینورد که پیش از این، در تیم‌های برایتون اند هاو آلبیون در لیگ برتر بازی می‌کرد. جهانبخش با توانایی بازی در هر دو جناح راست و چپ، حتی در جایگاه یک تعویضی تاکتیکی روی نیمکت، می‌تواند برای ایرانی‌ها حیاتی باشد.

بازیکن کلیدی

با توجه به این که هنوز معلوم نیست سردار آزمون به جام جهانی زمستان امسال برسد یا خیر، تصمیم گرفتیم مهدی طارمی، ستاره تیم فوتبال پورتو را با عنوان بازیگر ستاره ایران، پیش از این رقابت‌ها انتخاب کنیم. طارمی برای لیگ قهرمانان پرتغال، بازیکنی رو به اوج بوده، در حال حاضر، یکی از بهترین گلزنان لیگ برتر این کشور است. با نگاهی به معیارهای او، به راحتی می‌توان فهمید که چرا این بازیکن ۳۰ ساله، برای تیم ملی زیر نظر کی‌روش بازیکنی تمام عیار است. او که تا کنون زیر نظر مربی پرتغالی پست مهاجم استفاده می‌شود، می‌تواند در هر نقطه از خط مقدم بازی کند، اگرچه در جلو قوی‌ترین نقش را دارد. نه تنها معیارهای هجومی این مهاجم استثنایی است، بلکه آمار دفاعی او نیز استثنایی است و نشان می دهد که شماره ۹ با تجربه، زمانی که تیمش در حالِ پرسینگ و قطع پاس‌های حریف است، مفید خواهد بود. اگر ایران با بخت بلند، از مرحله گروهی صعود کند، باید طارمی در بهترین فرم خود قرار داشته باشد.

پیش بینی مسابقات

ایران برای صعود از گروهی به این دشواری که شامل دو تیم بریتانیایی انگلیس و ولز و همچنین ایالات متحده است، باید در هر بازی از نظر دفاعی شکست ناپذیرباشد. تیم ملی به سادگی نمی‌تواند پا به پای با این سه تیم حرکت کند که تعدادی از پرافتخارترین بازیکنان اروپا را در اختیار دارند؛ از جمله چندین برنده لیگ قهرمانان اروپا و همچنین دارای کلکسیونی از عناوین مختلف. برای بردن آن‌ها، تیم ملی باید بهترین کاری را که می‌تواند، انجام دهد؛ فشار حریف را بی‌اثر کند و در وقت استراحت [هنگامی که حریف کم می‌آورد و سعی می‌کند بازی را آرام کند تا نفسی تازه کند] به حریف ضربه بزند و [برعکس] زمانی که آن‌ها در فاز حمله هستند، تا حد امکان عمودی [پاس‌های مستقیم در عمق] بازی کند. متأسفانه، از نگاهِ تحلیل کلی این اعتقاد وجود ندارد که ایران برای خروج از چنین گروه سختی کیفیت لازم را دارد و به احتمال زیاد در قعر جدول قرار خواهد گرفت.

شناسنامه و کارنامهٔ فوتبالی مهدی طارمی

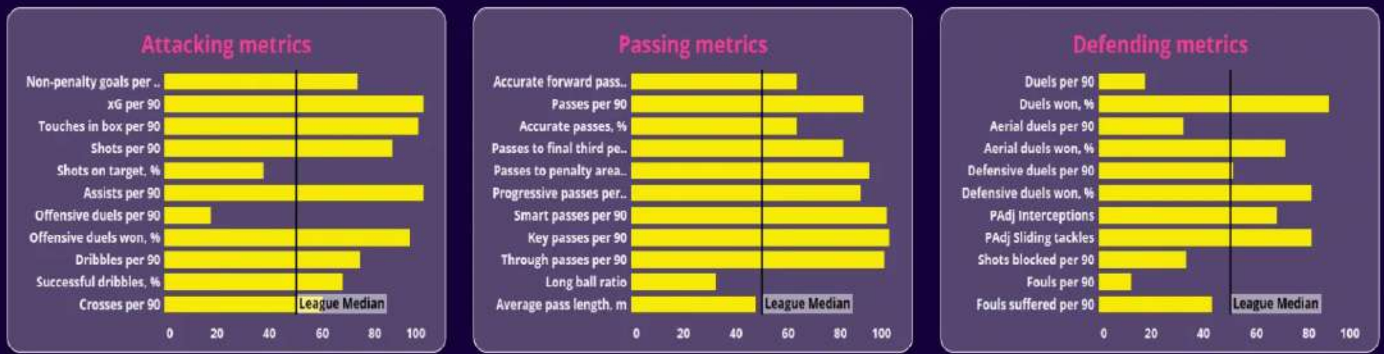
TFA



Player Name : M. Taremi
Player Age : 30
Team Name : Porto
Position : CF, AMF, LWF

Minuted played : 4,278
Market value : €20,000,000
Contract : 2024-06-30
On Loan : no

Preferred foot : right
Weight : 83 kg
Height : 186 cm
Nationality : Iran



	Per 90	Percent Rank
Non-penalty goals per 90	0.44	73.3
xG per 90	0.74	98.8
Touches in box per 90	5.20	96.6
Shots per 90	3.16	86.6
Shots on target, %	40.67%	37.7
Assists per 90	0.36	98.8
Offensive duels per 90	7.36	17.7
Offensive duels won, %	42.29%	93.3
Dribbles per 90	3.58	74.4
Successful dribbles, %	51.76%	67.7
Crosses per 90	0.84	60

	Per 90	Percent Rank
Accurate forward passes, %	63.27%	63.30
Passes per 90	22.47	88.80
Accurate passes, %	77.43%	63.30
Passes to final third per 90	2.17	81.10
Passes to penalty area per 90	2	91.10
Progressive passes per 90	2.76	87.70
Smart passes per 90	1.51	97.70
Key passes per 90	0.82	98.80
Through passes per 90	1.49	96.60
Long passes per 90	0.63	32.20
Average pass length, m	15.03	47.70

	Per 90	Percent Rank
Duels per 90	19.54	17.70
Duels won, %	43.27%	87.70
Aerial duels per 90	4.84	32.20
Aerial duels won, %	42.17%	71.10
Defensive duels per 90	3.7	51.10
Defensive duels won, %	57.39%	81.10
PAdj Interceptions	2.77	67.70
PAdj Sliding tackles	0.39	81.10
Shots blocked per 90	0.06	33.30
Fouls per 90	0.95	12.20
Fouls suffered per 90	1.45	43.30



انتخابات میان دوره ای ایالات متحده کمی اوضاع را آرام کرده است، اما معضلات پیش روی متحدان ایالات متحده از اوکراین تا بریتانیا همچنان باقی است.

این که اوضاع «می‌توانست خیلی بدتر باشد»، همیشه بهترین قضاوت دربارهٔ نتایج انتخابات نیست، به‌ویژه در فضای سیاسی و رسانه‌ای که بر نتیجه‌گیری‌های قطعی پافشاری می‌کند و تفاوت‌های ظریف را نادیده می‌گیرد. اما دربارهٔ انتخاباتِ میان دوره ای آمریکا، عاقلانه‌ترین گزینه روی داد.

دموکراسی آمریکایی هنوز ناقص و در معرض تهدید است، با این حال، مزیتی در همهٔ نظام‌های سیاسی دموکراتیکِ ریشه‌دار و نه فقط نظام سیاسی ایالات متحده هست که معمولا نادیده انگاشته می‌شود و آن این که بندرت، فاجعه می‌سازند، حتی اگر گاهی به فاجعه نزدیک شوند. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا هم به چنین فاجعه‌ای منجر نشد.

البته اشتباه نشود، به ویژه پس از اتفاقی که در ششم ژانویهٔ سال گذشته در کنگره افتاد، کنترل کنگره، برای جمهوری‌خواهان، تحولی واقعاً جدی بود. اگر در نهایت، می‌توانستند کنترل سنا را نیز به دست آورند، این موضوع حتی جدی‌تر هم می‌شد.

در هر صورت، این تحول، برای اهداف جو بایدن در کنگره، پیامدهای مستقیمی خواهد داشت که در اوکراین احساس خواهد شد، زیرا برنامه‌های ارسال تسلیحات به کیف به تعلیق درآمده است و موقعیت قانونگذارانی را که معتقدند یا در انظار عمومی چنین اعتقادی را جار می‌زنند که بایدن، انتخابات ۲۰۲۰ را از دونالد ترامپ دزدیده است، تقویت خواهد کرد.

منکران انتخابات در حزب جمهوری خواه، در این هفته، رقابت‌های بسیاری را بردند. موفقیت آن‌ها، در کسب پیروزی نامزدهای احزاب و اعزامشان به واشنگتن، نشان از آن دارد که بخش اعظم حزب جمهوری‌خواه، همچنان گروگان گرایش‌های ترامپ و جنبش ماگاست[MAGA، دوباره آمریکا را بزرگ می‌کنیم؛ هواداران ترامپ]. اما انتخابات میان دوره ای نشان داد که این خبر، در سال ۲۰۲۴، برای جمهوری خواهان خبر خوبی نخواهد بود، به خصوص اگر ترامپ نامزد ریاست جمهوریشان باشد.

کابوس سرنوشت [شوم] بازگشتِ ترامپ، به ویژه در آخرین روزهای آستانهٔ انتخابات میان‌دوره‌ای، در میان ناظران لیبرال و میانه‌رو محسوس بود. گو آن که محل زیادی از اعراب نداشت. هیچ کون فیکونی در کار نبود و دست کم، هنوز موجی از حرکت ترامپ به سوی کاخ سفید دیده نمی‌شود.

در هر صورت، این قبیل انتخابات، به نوعی، نفی انتخابات است و اهداف انتقامجویانهٔ ترامپ، بار



مضاعفی بر دوش بخت‌های انتخاباتی وسیع‌تر حزب متبوع اوست. این وضعیت، بخشی از واقعیت‌های دو سال بعد خواهد بود و اعلام نامزدی ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۴ سهم این بخش را از واقعیت‌های موجود، بیشتر هم خواهد کرد.

قاعدتا، این وضع به نفعِ رقیب اصلی‌اش یعنی ران دیسنتس است، اما ترامپ هَم زور آن را دارد که حزبش را زخمی کند. او جار می‌زند که اگر دیسنتس وارد رقابت شود، به جنگ او خواهد رفت، اما جنگ داخلی میان این دو، پویایی انتخاباتی گسترده‌تری را در پی خواهد داشت و حتی ممکن است به بایدن یا جانشینش در دورهٔ بعد انتخابات کمک کند.

ژرف‌اندیشی دربارهٔ علت رسیدن اوضاع به چنین شرایطی، فقط زمانی ممکن است که همهٔ وقایع انتخابات نیم فصل ارزیابی شود که تا پیش از ماه دسامبر ممکن نیست. با وجود این، آرای دموکرات‌ها، بهتر از حد انتظار بود؛ شاید لایحهٔ سقط جنین در دیوان عالی و یا مداخلات اقتصادی بایدن کمک کرده باشد، اما قطعا تهدید ترامپ، عاملی برای بسیج نیروها ضد جمهوری‌خواهان بود.

در نتیجه، مخالفانِ سینه چاک انتخابات، مانند داگ ماستریانو، نامزد فرمانداری ایالت و مهم، اما یک بام و دو هوای پنسیلوانیا کتک بدی خوردند. توانایی‌های نامزدها، خصوصا در ایالتی مانند جورجیا که این روزها، ایالت یک بام و دو هوای دیگری شده، برای خود مقولهٔ دیگری است. با این حال، اکراهِ رای دهندگان از ترامپ، می‌تواند در انتخابات ۲۰۲۴ عاملی جدی باشد.

با توجه به این که انتخابات میان دوره‌ای همیشه نوعی همه پرسی برای رئیس جمهور فعلی است و درصد محبوبیت بایدن در پایین ترین سطح، یعنی چهل درصد باقی مانده است، لذا این رقابت‌ها همیشه رقابت سختی بوده است. همچنین با توجه به این که این دوران سخت اقتصادی، با تورم (در حال حاضر حدود ۸ درصد در ایالات متحده، بالاترین میزان در ۴۰ سال گذشته) برای طبقهٔ متوسط نامأنوس است، به سان مهمترین مسئله دلخواهِ بیشتر رأی دهندگان، برای دموکرات‌ها واقعاً قابل توجه بود، تا از روند تاریخیشان ستایش کنند، یا ادامه دهند و یا حتی به پیروزی‌های بیشتری برسند. جای تعجب نیست که این اتفاق نیفتاد.

اگر این انتخابات، فعلا مسکنی برای دموکرات‌هاست، در عین حال می‌تواند هشداری برایشان باشد، چون اگر توانستند از حجم شکست‌های خود بکاهند، بیشتر به سبب آن بود که حجم نارضایتی از ترامپ بر ناخشنودی از بایدن می‌چربید. در واقع می‌توان گفت: بایدن صرفا در روش انتخاب بسیاری از رای دهندگان در کنار صندوق‌های رای، بخت بلندی داشت، اما



در برابر نامزد تازه نفسی مانند دیسنتیس، وضعیتی متفاوت و چالشی بسیار تاثیرگذارتری پیش روی خود خواهد داشت.

همهٔ فراز و نشیب‌ها نشان می‌دهد که تماشاگران آمریکا از این سوی اقیانوس اطلس باید بسیار محتاط و مواظب باشند. ساده‌بینی در حوزهٔ سیاسی همیشه اشتباه است. انتخابات میان دوره‌ای نمی‌تواند نشانگر آن باشد که آمریکا به سوی ریاست جمهوری ترامپ گام بر می‌دارد، اما در عین حال، به معنی این هم نیست که همه به ترامپ پشت کرده‌اند.

این بی‌اعتمادی، مشکل مداومی برای کل جهان است. مطمئناً این معضل یکی از معضلاتِ متحدان غربی آمریکاست، زیرا هیچ راهی برای پیش‌بینی سیر تحولاتِ دو سال بعدی وجود ندارد. در دراز مدت هیچ موضوعی در این زمینه مهمتر از بحران آب و هوا نیست، اما در کوتاه مدت، موضوعِ شماره یکِ بحث، اوکراین است.

دراین دو سال ممکن است نتیجه جنگ اوکراین تعیین شود. بنا بر این، برای همه کشورهای اروپایی مهم است که دولت بایدن متحد اصلی کی‌یف باقی بماند و تسلیحات و دانش لازم را برای مسلح نگه داشتن اوکراین تامین کند. با وجود این، انتخابات پیش روی ۲۰۲۴ همواره سایهٔ سنگین خود را خواهد انداخت. دموکرات‌ها، نمی‌خواهند در شرایطِ جنگی ناتمام پا به آن انتخابات بگذارند. چون جمهوری‌خواهان می‌توانند تعهد دهند که شیر مخارج اوکراین را ببندند.

بریتانیا در برابر همهٔ این موضوعات، در معرض معماهایی سنگین و فوری قرار گرفته است. برای بریتانیای پس از برگزیت، ایالات متحده در قامتِ متحد و شریک کلیدی ظاهر شده است. در ارزیابیِ یکپارچهٔ بوریس جانسون در سال ۲۰۲۱ از سیاستِ خارجی و امنیتی پس از برگزیت، ایالات متحده، با عنوانِ ضامن و تقویت کنندهٔ نقش سرگردان بریتانیا در جهان توصیف شده است. حتی قبل از جنگ اوکراین و پیش از این که زمزمهٔ بازگشت ترامپ بلندتر شود، این تصور، خیال پردازانه به نظر می‌رسید. در شرایط کنونی، مبهم‌تر هم شده است.

ریشی سوناک، آمریکاگرایی غریزی، تازه، در حال یادگیری سیاست خارجی در محل کار است. او نمی‌تواند در بارهٔ ایالات متحده، فرضیات بدی داشته باشد. اما اولویت او باید آن باشد که لفاظی‌های موجود را دربارهٔ نقش بریتانیا در دوران پسابرگزیت متوقف کند. او باید بداند که دولت دوم ترامپ، برای بریتانیا میدان مین خواهد بود و او باید اولویت خود را اتخاذ رویکرد عملگرایانه‌تری در قبالِ اروپا قرار دهد. همین امر دربارهٔ رویکرد حزب کارگر نیز صدق می‌کند. با نزدیک شدن به انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا، موعد انتخابات خود بریتانیا نیز نزدیک می‌شود. چالش‌های سیاست خارجی اجتناب‌ناپذیری که کی‌یر استارمر [رئیس حزب] با آن مواجه است، از برخی جهات آسان‌تر از سوناک خواهد بود، زیرا استارمر طبیعتاً طرفدار روابط خوب با اروپا است. اما او نمی‌خواهد که انتخابات عمومی بریتانیا بر سر این موضوع برگزار شود، بنابراین ممکن است از چنین وضعیتی اجتناب کند.

وسوسه‌ای که پس از انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۲ در دل بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی راه یافته، آن است که به مُسکنی مقطعی تن دهند و همهٔ تفکرات راهبردی و نیز روش‌های اتکای بر خود را در پاسخ به این آمریکای جدیدِ سر در گم میان دو کرانهٔ اقیانوس اطلس کنار بگذارند. در دوره‌ای که درگیر بحران آب و هوا و جنگ اوکراین است، چنین انتخابی قطعا احمقانه خواهد بود.





مصاحبه‌گر: کلمنس زوارسکی، مترجم: حیدر سهیلی اصفهانی

"دنیا به مکان خطرناکی تبدیل شده است!"

گفتگوی روزنامهٔ اتریشی کرونه زایتونگ با جوزپ بورل

جوزپ بورل وزیر خارجه اتحادیه اروپاست. او با روزنامهٔ اتریشی کرونه زایتونگ، دربارهٔ ارتش اروپایی، روسیه و این که آیا فکر می‌کند اتحادیه اروپا، ابرقدرت است، صحبت کرد. کرونه زایتونگ، تنها رسانهٔ چاپی بود که جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، حاضر شد با آن مصاحبه کند. با این حال، در تراس پشت بام هتلِ ایملوئر پیتر، این کوهنورد پرشور، فقط به چشم انداز کوهستانی سالزبورگ اطراف چشم دوخته است تا نگرانی‌های دنیا را برای لحظه‌ای کوتاه فراموش کند، اما مصاحبهٔ ما، او را به واقعیت باز می‌گرداند.



کرونه زایتونگ: سلف شما فدریکا موگرینی، رسما با تشکیل ارتش اتحادیه اروپا مخالفت می‌کرد ارتشی که قرار بود تا بن دندان مسلح و زیناوند و عنوان رسمی ارتش اتحادیه را هم بر سینه داشته باشه.

جوزپ بورل: نه این که حتما ارتش اتحادیه اروپا باشه. هیچ یک از ۲۷ ارتش را نمی‌شه با یک نیروی متحد اروپایی جایگزین کرد. ما فقط باید نقاط قوت خودمون را جمع کنیم، هماهنگ کنیم و برای دفاع بهتر سرمایه گذاری کنیم. نه بیشتر! ما همین حالا هم اندازهٔ چین و چهار برابر روسیه برای دفاع هزینه می کنیم، اصلا ورود ما به مرحلهٔ خلع سلاح، به سبب بحران بدهی بود، پس نمی تونیم با چالش های فعلی مقابله کنیم. باید فکر کارآمدی باشیم، وگرنه پولمون را دور انداختیم.

کرونه زایتونگ: حمله روسیه چه چیزی را برای اتحادیه اروپا تغییر داده؟

جوزپ بورل: ما در اروپا، خیلی از جنگ و جدال دور بودیم. حالا دوباره، بلا و مصیبت و رنج به ما رو کرده.

کرونه زایتونگ: لهستان و کشورهای بالتیک سال‌هاست که دارن دربارهٔ تجاوز روسیه هشدار می‌دن. چرا گوش نمی‌کردین؟

جوزپ بورل: ببین! برای درک بحران، درک تاریخ و جغرافیا، اهمیت زیادی داره. از نظر جغرافیایی و تاریخی، لیتوانی بیشتر از جنوب اسپانیا نگران روسیه است. در عوض این وری‌ها نگران شمال آفریقا هستند. به هر حال، در اروپا، ما مجبور نیستیم جدا جدا به چالش ها برخورد کنیم، بلکه با هم.

کرونه زایتونگ: مگه خودت یک بار نگفتی که اروپا، باید زبان قدرت را یاد بگیره؟

جوزپ بورل: بله! خیلی جور این جمله را کشیدم!

کرونه زایتونگ: یعنی منظورت، نفوذ جهانی بود؟ روسیه و آمریکا و چین در این زمینه تجربه دارند و از نظر نظامی هم قدرتشون پشتوانهٔ خوبی داره؟

جوزپ بورل: فقط قدرت نظامی که نیست. اتحادیهٔ اروپا، از اساس، طرحی برای صلح بود. قرار بود نفوذ خشونت‌آمیز را کنار بذاریم و بریم به طرف اقناع، تجارت و حقوق بشر. همین تجارت، وابستگی‌های متقابل به همراهش می‌آره و به صلح منجر می‌شه. حقوق بشر، آزادی و احترام با خودش می‌آره. اما دیگه این روزها، این چیزها کافی نیست. مثلا روسیه، از تجارت داره مثل یه سلاح استفاده می‌کنه.

کرونه زایتونگ: فکر می‌کنی اتحادیه اروپا، ابرقدرت جهانیه ؟

جوزپ بورل: اگه منظورت، اقتصاد و اخلاقه، می‌شه گفت: بله! اما اگه منظورت قدرت نظامیه، نه خیر! دنیا این روزها، جای بسیار خطرناکی شده. اعضای اتحادیه، باید بفهمند و درک کنند که در صورت لزوم، باید از خودمون دفاع کنیم و برای این کار هم، به ابزارهایی نیاز داریم.

کرونه زایتونگ: کشورهایی مثل اتریش، دربارهٔ جهت‌گیری‌های نظامی اتحادیه اروپا بدبین هستند.

جوزپ بورل: خب، بی‌طرفی امروز، مثل بی‌طرفی دوران جنگ سرد نیست. بی‌طرفیِ امروز، اتریش را از مشارکت در ماموریت‌های صلحبانی منع نمی‌کنه. مثل ماموریت‌های صلحبانی در مالی، بوسنی و موزامبیک که قبلا داشت.

کرونه زایتونگ: هفتهٔ آینده، قصد دارین طرحی را برای ماموریت آموزش نظامی در اوکراین، به نشست وزرای دفاع اتحادیه تقدیم کنید. این طرح چیه؟

جوزپ بورل: قصد داریم، با ارسال سلاح، از ارتش اوکراین حمایت کنیم و برای کاربرد این سلاح‌ها هم آموزششون بدیم. فعلا این تنها راه منطقیه!

کرونه زایتونگ: آموزش در محل؟ یعنی همون کاری که برای سربازهای مالیایی کردین؟

جوزپ بورل: هیچ کدوم از سربازهای اوکراینی، در اروپا آموزش نمی‌بینن. بله! درست مثل مورد مالی. آماده کردن سربازهای مالیایی در محیط خودشون، برای مبارزه بیابانی با تروریست‌ها، خیلی منطقی‌تر از آوردنشون به اروپا بود.

کرونه زایتونگ: اما ماموریت اروپایی‌ها در مالی، با شرمندگی اتحادیه تموم شد. دست آخر، اون‌ها از جلوی شبه‌نظامیان روس واگنر فرار کردند.

جوزپ بورل: بله، ما در مالی موفق نبودیم. من هم قبول دارم. اما روسیه، فعلا در این منطقه حضور داره و ما باید از گسترش نفوذش جلوگیری کنیم.

کرونه زایتونگ: بعضی از اتریشی‌ها، دربارهٔ کارایی تحریم‌ها ضد روسیه شک دارند.

جوزپ بورل: این کارها محدود کننده‌اند. ما فقط داریم فرصت‌های اقتصادی روسیه را محدود می‌کنیم. تا وقتی که اقتصاد روسیه به نفت و گاز وابسته است، روس‌ها به فن‌آوری‌های ما محتاجند. این روزها روسیه دچار مشکل شده. ما هم البته در کوتاه مدت با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنیم. نمی‌شه انکار کرد که قیمت بنزین داره همین طور بالا می‌ره، اما ما باید بهای آزادی را بپردازیم. چون جنگ اوکراین، فقط جنگ اوکراینی‌ها نیست، جنگی برای آزادی ماست.

کرونه زایتونگ: شما همه‌گیری کرونا را بزرگترین چالش اتحادیه معرفی کردین. یعنی بحران انرژی بزرگتر نیست؟

جوزپ بورل: البته! این بدترین دورهٔ بحرانیه که اتحادیهٔ اروپا تا حالا به خودش دیده. اول بحران بدهی، بعدش همه‌گیری، حالا هم انرژی. راه حلی هم جز اتحاد نداریم.

کرونه زایتونگ: بحرانی جهانی هم برای دموکراسیه.



جوزپ بورل: بله، همین طوره! رژیم‌های استبدادی همین طور دارن زیاد می‌شن. امپراطوری‌های قدیمی دوباره دارن زنده می‌شن. روسیه می‌خواد حکومت تزارها را برگردونه، چین و ترکیه هم دیدگاه‌های امپریالیستی دارن. ما هم چاره‌ای جز وحدت نداریم. هیچ کس، تنها زنده نمی‌مونه.

کرونه زایتونگ: حالا بریم سراغ ایران! توافق هسته‌ای به کجا کشید؟

جوزپ بورل: جوابی از آمریکایی‌ها دریافت کردم. حالا هم ایرانی‌ها باید جواب بدن. جا داره که از اتریش هم به دلیل نقش خوبی که ایفا کرد، تشکر کنم. ما الان در لحظهٔ حساسی هستیم. البته من خوش‌بینم. این آخرین وجب باقی مونده است. اگه طی بشه، دنیا کمی امن‌تر می‌شه.

کرونه زایتونگ: جنگ در اوکراین، بحران بر سر تایوان و چند جای دیگهٔ دنیا! یه بیماری همه گیر هم داریم. بحرانی هم دموکراسی را تهدید می کنه و احتمالا در ۲۰۲۴ هم ترامپ داره به عنوان رئیس جمهوری آمریکا بر می گرده. فکر می کنی، پنج سال دیگه، دنیا چه شکلیه؟

جوزپ بورل: چه می‌دونم؟ دنیا در همین پنج هفتهٔ گذشته، به اندازهٔ کافی برام دردسر درست کرده..!

ORIENTAL VOICE 4



AUTUMN 2022